

سخنان ناب بزرگان درباره

تحقیق ، پژوهش

نگارش و قلم

مهدی آقابابایی

مشخصات کتاب :

نام کتاب : سخنان ناب بزرگان درباره تحقیق، پژوهش، نگارش و قلم

تألیف : مهدی آقابابایی

ناشر: نورالحيات

چاپ : اول

سال : ۱۳۹۸

قطع و صفحه : ۱۰۱ صفحه ، رقعی

قیمت : ۱۵۰۰۰ تومان

| | |
|---------------------|---|
| سرشناسه | : آقابابایی، مهدی، ۱۳۶۳ - |
| عنوان و نام پدیدآور | : سخنان ناب بزرگان درباره تحقیق، پژوهش، نگارش و قلم/ تألیف مهدی آقابابایی. |
| مشخصات نشر | : اصفهان: نورالحيات، ۱۳۹۸. |
| مشخصات ظاهری | : ۱۰۱ ص؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م. |
| شابک | : ۹۷۸-۶۲۲-۹۶۴۵۲-۶-۰ |
| وضعیت فهرست نویسی | : فیبا |
| یادداشت | : کتابنامه: ص. ۱۰۰ - ۱۰۱. |
| موضوع | : مجتهدان و علما -- دیدگاه درباره تحقیق |
| موضوع | : 'Ulama -- Views on research' |
| موضوع | : تحقیق -- احادیث |
| موضوع | : Research -- Hadiths |
| رده بندی کنگره | : BP۵۵/۲ |
| رده بندی دیویی | : ۲۹۷/۹۹۶ |
| شماره کتابشناسی ملی | : 5947839 |

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیم به :

مدافع حریم امامت و ولایت ، علامه مجلسی و علامه امینی و تمام کسانی که پژوهش و نویسندگی را به ما آموختند.

ز نام آوران گوی سبقت برند که دانا و شمشیر زن پرورند
هر آن کو «قلم» را نورزید و تیغ برو گو بمیرد نگو ای دریغ^۱

از دفتر زمانه فُتد نامش از قلم
هر ملتی که مردم صاحب قلم نداشت^۲

۱- شیخ مصلح الدین سعدی شیرازی

۲- دیوان فرخی یزدی، انتشارات علمی، غزل ۳۳.

فهرست

- مقدمه ۱۱
- بخش اول: چهل حدیث پیرامون پیرامون تحقیق، پژوهش، قلم و نگارش
- ۱۳
- ۱- تحقیق کن، تحقیق کن! ۱۴
- ۲- راه برین کدام است؟ ۱۴
- ۳- عمل برتر ۱۴
- ۴- قلم، نخستین آفریده خدا ۱۴
- ۵- نخستین قلم‌زن که بود؟ ۱۵
- ۶- پژواک قلم تا کجا که نمی‌رسد! ۱۵
- ۷- چرا زکات دست خود نمی‌دهی؟ ۱۵
- ۸- مرکب دانشوران، از خون شهیدان برتر است ۱۶
- ۹- فرهنگ مکتوب و این همه پاداش! ثواب تألیف و نوشتن ۱۶
- ۱۰- ای قلم‌زن! به کدامین راه می‌روی؟ ۱۷
- ۱۱- بهشت، ارزانی نویسندگان ۱۷
- ۱۲- در سایه سار قلم، زندگی زیباست ۱۷
- ۱۳- قلم، رمز جاودانگی ۱۸
- ۱۴- نوشتار، برتر از گفتار است ۱۸
- ۱۵- نشان فرزاندگی ۱۸
- ۱۶- بر کرانه قلمت چه جلوه گر است؟ ۱۹
- ۱۷- کیفیت نوشته ات، نشانه عقل توست ۱۹
- ۱۸- فرصت از دست مده که پشیمان می‌شوی ۱۹
- ۱۹- تا نوشته ات باقی است، پاداش تو هم جاری است ۱۹
- ۲۰- خوشا آنان که دائم در کتاب‌اند! ۲۰

- ۲۰- (۲۱) - تویی دلارام من!
- ۲۰- (۲۲) - بنویس و بر جای نه!
- ۲۱- (۲۳) - دانش در بند نگارش کیش!
- ۲۱- (۲۴) - بی نام تو نامه کی کنم باز؟
- ۲۱- (۲۵) - با خط زیبا بنویس: «بسم الله...»
- ۲۱- (۲۶) - به پُر برگی کتابت ننازا! به پُرباری کتابت بنازا!
- ۲۲- (۲۷) - چرا نوشته هایت را دسته بندی نمی کنی؟
- ۲۲- (۲۸) - همراه خود چرا قلم نداری؟
- ۲۲- (۲۹) - قلم به داد حافظه می رسد!
- ۲۲- (۳۰) - غلط نگوییم؛ غلط ننویسیم
- ۲۳- (۳۱) - چرا نمی نویسد؟!
- ۲۳- (۳۲) - خوش خط بنگار و فاصله هم بگذار!
- ۲۳- (۳۳) - چرا نوشته هایت را بازنگری و بازنگاری نمی کنی؟
- ۲۴- (۳۴) - کتاب، مایه آرامش دلهاست
- ۲۴- (۳۵) - هر کتابی، ترجمانی است
- ۲۴- (۳۶) - گُل سرای دانشوران چیست؟
- ۲۴- (۳۷) - این سخنگو کیست که در برابرت نیست؟
- ۲۵- (۳۸) - آینده را هم به تماشا بایست!
- ۲۵- (۳۹) - یک «چهل حدیث» نوشته‌ای؟
- ۲۶- (۴۰) - پیامبر به اصحابش دستور نوشتن می دهد
- ۲۷- بخش دوم: پژوهش و تحقیق در کلام بزرگان
- ۲۸- (۱) - امام خمینی علیه السلام
- ۲۸- الف: رسالت قلم
- ۲۹- ب: تحقیق و پژوهش

- ۲) - مقام معظم رهبری ۳۱
- بیماری در عرصه علم و تحقیق ۳۱
- عشق به کار تحقیقی ۳۱
- جامعه علمی مطلوب اسلامی ۳۲
- جبران عقب افتادگی علمی و تحقیقاتی ۳۲
- غرب و قیام علمی علیه دین تحریف شده ۳۳
- برخورد سالم افکار در محافل علمی و پژوهشی ۳۳
- آموزش بر مبنای پژوهش ۳۵
- ترویج تحقیق و پرورش محقق ۳۵
- تولید و فرآوری علم ۳۶
- به ISI اسلامی فکر کنید ۳۶
- نیاز علمی، نیز حقیقی ۳۷
- اسلامی شدن محیط‌های علم و تحقیق ۳۷
- باید به اوج برسیم ۳۷
- طلبه، درس و تحقیق ۳۸
- شناسایی استعداد‌های علمی و پژوهشی ۳۸
- ۳) - آیت الله العظمی شیخ حسین مظاهری (مدظله العالی) ۳۹
- پیام آیت الله العظمی مظاهری (مدظله العالی) به اختتامیه چهارمین
 جشنواره علامه حلی رحمته الله علیه استان اصفهان ۳۹
- پیام آیت الله العظمی مظاهری (مدظله العالی) به اختتامیه پنجمین جشنواره
 علامه حلی استان اصفهان ۴۳
- پیام آیت الله العظمی مظاهری (مدظله العالی) به اختتامیه ششمین
 جشنواره علامه حلی رحمته الله علیه استان اصفهان ۴۶
- از دیگر سخنان آیت الله العظمی مظاهری (مدظله العالی) ۵۰

- زمینه پژوهش در باره اخلاق و تربیت عملی طلاب فراهم شود ۵۰
- تقویت بنیه پژوهشی طلاب ۵۰
- پژوهش‌های امروز پاسخگوی مطالب دنیای معاصر نیست ۵۰
- ۴- حضرت آیت الله العظمی شیخ جعفر سبحانی (مد ظله العالی) ۵۱
- اخلاص در پژوهش ۵۱
- از دیگر سخنان معظم له ۵۳
- حدیثی که سبب شد آیت الله سبحانی دست به قلم شود ۵۳
- منزلت پژوهشگر و حس علم‌جویی او ۵۵
- پیشنهاد آیت‌الله سبحانی به مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه برای امر پژوهش ۵۵
- ۵- آیت‌الله العظمی ناصر مکارم شیرازی (مد ظله العالی) ۵۸
- شیوه تربیت نویسندگان در حوزه‌های علمیه ۵۹
- قلم و بیان در قرآن ۵۹
- ضرورت نگارش و پژوهش ۶۰
- چه باید کرد؟ ۶۱
- امتیازهای قلم ۶۳
- روش تربیت نویسنده در حوزه ۶۳
- مرحله اول: مطالعه آثار نویسندگان خوب ۶۳
- مرحله دوم: نوشتن پس از مطالعه آثار دیگران ۶۴
- مرحله سوم: تجربه‌ی مستقل در نوشتن ۶۴
- مرحله چهارم: نشر اثر ۶۶
- مرحله پنجم: نقد اثر ۶۶
- آفت‌های قلم ۶۷
- ۶- آیت الله العظمی سید محمد تقی مدرسی (مد ظله العالی) ۶۸

- ۷۰- آیت الله العظمی شیخ عبدالله جوادی آملی (مدظله العالی)
- ۷۲- آیت الله الضعیمی صافی گلپایگانی (مد ظله العالی)
- ۷۲- آیت الله شیخ محمد تقی مصباح یزدی (مد ظله العالی)
- ۷۳- آیت الله سید محمد رضا جلالی حسینی (حفظه الله)
- ۷۳- (۱۱) - مرحوم آیت الله العظمی سید عبدالکریم موسوی اردبیلی رحمته
- ۷۵- (۱۲) - مرحوم آیت الله شیخ احمد مجتهدی تهرانی رحمته
- ۷۵- (۱۳) - پروفیسور دکتر محمود حسابی رحمته
- بخش سوم: نذر برای نوشتن کتاب
- ۷۶- نذر شیخ طبرسی به تألیف مجمع البیان
- ۷۷- نذر سید قزوینی برای تألیف کتابی پیرامون بانوی دو عالم، حضرت زهرا علیها السلام
- ۷۸- نذر سید سبزواری رحمته برای تألیف یک دوره کامل فقه
- ۷۸- نذر آقای آیت الله سید محمد تقی مدرسی
- ۷۹- مطالب مهم آقای علوی
- ۷۹- نذر برای حفظ کردن مطلب
- ۸۰- نذر شیخ حسن طراد
- ۸۰- بخش چهارم: نکاتی درباره کتاب‌های شیعه
- ۸۲- توصیه آیت الله بهجت رحمته به نشر یک کتاب
- ۸۳- کشف اللثام و نوشتن کتاب قبل از بلوغ
- ۸۳- راز توفیق مرحوم بهبهانی
- ۸۳- امتیاز مفاتیح الشرائع
- ۸۴- بخش پنجم: نکاتی درباره بزرگان
- ۸۵- علامه مجلسی رحمته
- ۸۵- علامه میرحامد حسین هندی

- ۸۵..... فرزای از وصیت نامه علامه حلّی رحمته اللّٰه به فرزندش
- ۸۷..... فرزای از وصیت نامه آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی رحمته اللّٰه
- ۸۷..... ابن جریر - عبقّات
- ۸۷..... ابوعمر و (غلام تغلب) سی هزار ورقه را از حفظ املا کرد
- ۸۸..... خواجه عبدالله انصاری
- ۸۸..... ابوعمر و
- ۸۸..... ابن جریر
- ۸۹..... بخش ششم: آمارهای تکان دهنده
- ۹۰..... تشویق بی حساب محققین در فرانسه
- ۹۰..... ۳۰ هزار محقق در یک شرکت آلمانی
- ۹۰..... سالی ۱۰۰ میلیارد دلار صرف تحقیق
- ۹۱..... بخش هفتم: اهتمام به نویسندگی و نگارش در شب قدر
- ۹۲..... اتمام نگارش برخی از آثار مکتوب شیعی در شب قدر
- ۹۴..... بخش هشتم: کتاب هایی که در حوزه علمیه اصفهان نوشته شده
- ۹۵..... (۱) - مدرسه علمیه امام صادق علیه السلام (چهارباغ)
- ۹۶..... (۲) - مدرسه جلالیه
- ۹۶..... (۳) - مدرسه جده کوچک
- ۹۷..... (۴) - مدرسه جده بزرگ
- ۹۷..... (۵) - مدرسه الماسیه
- ۹۸..... (۶) - مدرسه علمیه شفیعیه دردشت
- ۹۸..... (۷) - مدرسه علیقلی آقا
- ۹۹..... (۸) - مدرسه ملاعبدالله
- ۱۰۰..... منابع و مآخذ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه

قرآن کریم توجه فراوانی به دانش و دانشمند نموده و در آیات بسیاری، بر ارزش گوهر علم و دانش تأکید نموده است. اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام نیز سخنان گرانسنگ و گرانقدری در علم، عالم، تعلیم و تعلم، تحقیق و پژوهش بیان فرموده‌اند. از آنجا که ماندگاری علم جز با نوشتن میسر نیست و دین اسلام به قلم و تلاش عالمان برای مکتوب ساختن یافته‌های علمی توجه بسیار کرده است. چنانچه قرآن کریم به قلم و نوشتار دانشمندان سوگند یاد نموده است آنجا که می‌فرماید:

«ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ»

«ن، سوگند به قلم و آنچه می‌نویسند.»^۱

و در نخستین آیاتی که در «جبل النور» و غار «حرا» بر قلب پاک پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نازل شد نیز به مقام والای قلم اشاره شده آنجا که می‌فرماید:

«اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ»

«بخوان به نام پروردگارت که (جهان را) آفرید.»^۲

«قلم» حافظ علوم و دانش‌ها، پاسدار افکار اندیشمندان، حلقه‌ی اتصال فکری علما، و پل ارتباطی گذشته و آینده بشر است و حتی ارتباط آسمان و زمین نیز از طریق لوح و قلم حاصل شده است.

۱ - قلم/۱ .

۲ - علق/۱-۴ .

«قلم»، رازدار بشر و خزانه دار علوم و جمع آوری کننده تجربیات و قرون اعصار است، اگر قرآن به آن سوگند یاد می‌کند به همین دلیل است زیرا همیشه سوگند به یک امر بسیار عظیم و پر ارزش یاد می‌شود.

این کتاب شامل هشت بخش می‌باشد که عبارتند از:

بخش اول: چهل حدیث پیرامون پیرامون تحقیق، پژوهش، قلم و نگارش

بخش دوم: پژوهش و تحقیق در کلام بزرگان

بخش سوم: نذر برای نوشتن کتاب

بخش چهارم: نکاتی درباره کتاب های شیعه

بخش پنجم: نکاتی درباره بزرگان

بخش ششم: آمارهای تکان دهنده

بخش هفتم: اهتمام به نویسندگی و نگارش در شب قدر

بخش هشتم: کتاب‌هایی که در حوزه علمیه اصفهان نوشته شده

مهدی آقابابایی

حوزه علمیه اصفهان

۱۷ ربیع الاول ۱۴۳۸ ه.ق / ۱۳۹۵/۰۹/۲۷

مصادف با ولادت حضرت ختمی مرتبت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و حضرت امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام

بخش اول:

چهل حدیث پیرامون تحقیق،
پژوهش، قلم و نگارش

۱- تحقیق کن، تحقیق کن!

امام امیرمؤمنان علی علیه السلام: «لا ینفع اجتهاد بغير تحقیق»

«هر تلاشی که در آن تحقیق^۱ و حقیقت جویی نیست، بهره‌ای ندارد».^۲

۲- راه برین کدام است؟

امام امیرمؤمنان علی علیه السلام: «لا سنّة أفضل من التّحقیق»

«هیچ راهی برتر از تحقیق و حقیقت جویی نیست».^۳

۳- عمل برتر

امام امیرمؤمنان علی علیه السلام: «لا عمل کالتّحقیق»

«هیچ کاری چون تحقیق و حقیقت جویی نیست».^۴

۴- قلم، نخستین آفریده خدا

امام صادق علیه السلام: «أول ما خلق الله القلم فقال له: اكتب فكتب ما كان و ما هو

كائن الى يوم القيامة»

۱- اگرچه تحقیق، به معنای مطلق حقیقت جویی است، اما از آن رو که پژوهش علمی نیز نوعی کشف حقیقت است، تحقیق به معنای عام کلمه شامل پژوهش‌های علمی نیز می‌شود.

۲- معجم الفاظ غرر الحکم، ص ۲۴۹.

۳- معجم الفاظ غرر الحکم، ص ۲۴۹.

۴- معجم الفاظ غرر الحکم، ص ۲۴۹.

« قلم نخستین آفریده کردگار است. به او فرمود: بنگار، و قلم آنچه را بود و تا روز رستخیز خواهد بود، همه را در نوشتار آورد.»^۱

۵- نخستین قلمزن که بود؟

پیامبر خدا ﷺ : «یا أباذرّ أربعة من الأنبياء سريانئون: آدم و شیت و أخنوخ (و هو ادریس و هو أول من خطّ بالقلم) و نوح»
«ای ابوذر! چهار تن از پیامبران سریانی اند: آدم و شیت و أخنوخ و نوح، و أخنوخ همان ادریس است که نخستین بار با قلم نوشت».^۲

۶- پژواک قلم تا کجا که نمی‌رسد!

پیامبر خدا ﷺ : «تلاث تخرق الحجب و تنتهی الی ما بین یدی اللّٰه: صریر أقلام العلماء و وطی أقدام المجاهدين و صوت مغازل المحصنات»
«سه بانگِ طنین انداز است که پرده ها را می‌درد و پژواک آن در نهایت به خدا می‌رسد: بانگ قلمهای دانشمندان؛ بانگ قدم‌های مجاهدان؛ و بانگ چرخ بافندگی زنان پاکدامن».^۳

۷- چرا زکات دست خود نمی‌دهی؟

امام صادق علیه السلام : «... زکوة اليد البذل و العطاء و السخاء بما أنعم اللّٰه علیک به و تحریکها بکتبه العلوم و منافع ینتفع بها المسلمون فی طاعة اللّٰه تعالی»

۱- تفسیر نورالثقلین، ج ۵، ص ۳۹۸.

۲- بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۳۲.

۳- تفسیر نمونه، ج ۲۴، ص ۳۷۷.

« زکات دست، بذل و دهش و بخشش است از نعمتهایی که خدا به تو ارزانی داشته است و جنباندن آن است به نگارش دانش‌ها و بهره‌هایی که مسلمانان از آن در راه فرمانبری خدای بزرگ بهره‌مند شود»^۱.

۸- مرکب دانشوران، از خون شهیدان برتر است

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام : «اذا كان يوم القيامة جمع الله عزّ و جلّ النّاس في صعيدٍ واحدٍ و وضعت الموازين فتوزن دماء الشّهداء مع مداد العلماء فيرجح مداد العلماء على دماء الشّهداء»

«آن‌گاه که روز رستخیز شود، خدای بزرگ همگان را در یک سرزمین گرد آورد و ترازوهای ارزش سنج در پیش نهد. چون خونهای شهیدان با مرکب قلم دانشمندان به سنجش آید، مرکب قلم دانشمندان بر خون‌های شهیدان برتری یابد»^۲.

۹- فرهنگ مکتوب و این همه پاداش! ثواب تألیف و نوشتن

پیامبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ : «المؤمن اذا مات و ترك ورقةً واحدةً عليها علمٌ تكون تلك الورقة يوم القيامة سترًا فيما بينه و بين النّار و أعطاه الله تبارك و تعالی بكلّ حرفٍ مکتوبٍ عليها مدينةً أوسع من الدّنيا سبع مرّاتٍ»

«مؤمن چون از دنیا رود و برگه‌ای حاوی دانش از خود بر جای نهد، این برگه در روز رستخیز، میان او و آتش دوزخ پرده‌ای شود. و خدای خجسته

۱- سفینه البحار، ج ۲، ص ۴۶۱.

۲- من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۳۹۸.

و بزرگ برای هر حرفی که بر آن برگه نوشته شده باشد، شهری به فراخناکی هفت گیتی به وی بخشد»^۱.

۱۰- ای قلمزنان! به کدامین راه می روید؟

پیامبر خدا ﷺ: «یوتی بصاحب القلم یوم القيامة فی تابوت من نار یقفل علیه بأقفال من نار فینظر قلمه فیما أجراه فان كان أجراه فی طاعة الله و رضوانه فك عنه التابوت، و ان كان أجراه فی معصية الله هوی فی التابوت سبعین خریفاً...»

« در روز رستخیز، قلمزن را در تابوتی آتشناک بیاورند که قفلهایی آتشناک نیز بر آن بسته باشند. آن گاه به قلمش بنگرند که در چه راه به کار بسته است. اگر در فرمانبری و خرسندی کردگار به کار بسته است، آن تابوت از او برگیرند؛ و اگر در فرمان نابری کردگار به کار بسته است، هفتاد خزان در آن تابوت به عذابش کشند»^۲.

۱۱- بهشت، ارزانی نویسنندگان

پیامبر خدا ﷺ: «من مات و میراثه الدفاتر و المحابر و جبت له الجنة»

«هر که از دنیا رود و میراثش دفترها و دواتها باشد، بهشت ارزانی اش باد»^۳.

۱۲- در سایه سار قلم، زندگی زیباست

۱- بحارالانوار، ج ۲، ص ۱۴۴؛ میزان الحکمه، ج ۱۱، ح ۱۷۳۳۲، ص ۵۱۰۳؛ امالی صدوق، م ۱۰، ص ۳۷.

۲- میزان الحکمه، ج ۸، ص ۲۶۶.

۳- ارشاد القلوب، ص ۱۷۶.

پیامبر خدا ﷺ : «... القلم من الله نعمة عظيمة ولولا القلم لم يستقم الملك
و الدین و لم یکن عیش صالح»
« قلم نعمت بزرگ پروردگار است؛ و اگر قلم نبود، سیاست و دیانتی
استوار نمی شد و زیستن خوشی در روزگار نبود»^۱.

۱۳- قلم، رمز جاودانگی

امام صادق علیه السلام : «تأمل یا مفضل! ما أنعم الله [به علی الانسان] ... الكتابة
آتی بها تقيّد أخبار الماضين للباقيين و أخبار الباقيين للآتين و بها تخلد الكتب في
العلوم و الآداب و غيرها...»

« بیندیش ای مفضل! از نعمت‌های الهی بر آدمی "نوشتن" باشد که خدادهای
گذشتگان را برای بازماندگان و رویدادهای زندگان را برای آیندگان به بند می کشد
و به قلم کتابهای علمی و اخلاقی و جز آن جاودانه می -شود»^۲.

۱۴- نوشتار، برتر از گفتار است

امام امیرمؤمنان علی علیه السلام : «رسول الرجل ترجمان عقله و كتابه أبلغ من نطقه»
« پیک آدمی نمایانگر خرد اوست و نوشتار آدمی رساتر از گفتار اوست»^۳.

۱۵- نشانِ فرزاندگی

امام امیرمؤمنان علی علیه السلام : «كتاب المرء معيار فضله و مسبار نبهه»

۱- مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۲۵۸.

۲- مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۲۵۸.

۳- معجم الفاظ غررالحکم، ص ۹۶۱.

«نوشتار هر کسی نشان از فرزاندگی اش دارد و میزان فرهیختگی اش را می‌نمایاند».^۱

۱۶- بر کرانه قلمت چه جلوه گر است؟

امام امیرمؤمنان علی علیه السلام: «عقول الفضلاء فی أطراف أقلامها»

«خردورزیهای فرهیختگان بر کرانه قلمهایشان جلوه گر است».^۲

۱۷- کیفیت نوشته ات، نشانه عقل توست

امام امیرمؤمنان علی علیه السلام: «ثلاثة تدلّ علی عقول اربابها: الرّسول و الكتاب و الهدية»

«سه چیز نمودار خرد خردمندان است: پیک، نوشتار و ارمغان».^۳

۱۸- فرصت از دست مده که پشیمان می شوی

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم: «اكتبوا العلم قبل ذهاب العلماء و ائما ذهاب العلم يموت العلماء»

«دانشها را مکتوب کنید پیش از آنکه دانشوران از دست روند، که با از

دست رفتن دانشوران، دانش نیز از دست رود».^۴

۱۹- تا نوشته‌ات باقی است، پاداش تو هم جاری است

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم: «من كتب عني علماً أو حديثاً لم يزل يكتب له الأجر ما

بقي ذلك العلم و الحديث»

۱- معجم الفاظ غررالحکم، ص ۹۶۰.

۲- معجم الفاظ غررالحکم، ص ۹۳۹.

۳- معجم الفاظ غررالحکم، ص ۹۶۱.

۴- میزان الحکمة، ج ۸، ص ۳۲۴.

« هر که دانش یا سخنی از من نگاشته است، پاداش او نیز همواره نگاشته شده است تا هنگامی که آن دانش و سخن بر جا مانده است.»^۱

۲۰- خوشا آنان که دائم در کتاب‌اند!

امام صادق علیه السلام به مفضل فرمود: «اكتب و بث علمک فی اخوانک فان مت فأورث کتبتک بنیک فانّه یأتی علی الناس زمان هرج لا یأسون فیہ إلاّ بکتبهم»
« دانش خویش را به نگارش درآر و در میان برادرانت گسترده دار؛ و چون مرگت فرارسد، نگاشته های خویش را برای فرزندان به ارث گذار که مردمان را روزگاری پریشان در پیش است که در آن به جز نوشتار همدمی ندارند.»^۲

۲۱- تویی دلارام من!

امام صادق علیه السلام: «القلب یتکل علی الکتابه»
«دل با نگارش مطمئن می شود.»^۳

۲۲- بنویس و بر جای نه!

امام حسن علیه السلام (به فرزندان خود و فرزندان برادر خود فرمود: «... فتعلموا العلم فمن لم یستطع منکم أن یحفظه فلیکتبه و لیضعه فی بیته»
« دانش فراگیرید؛ و هر که از شما حفظ آن را برنتابد، دانش به نگارش آرد و در خانه خود نگه دارد.»^۴

۱- میزان الحکمه، ج ۸، ص ۳۲۵.

۲- بحارالانوار، ج ۲، ص ۱۵۰.

۳- الکافی، ج ۱، ص ۵۲.

۴- بحارالانوار، ج ۲، ص ۵۲.

(۲۳) - دانش در بند نگارش کِش!

پیامبر خدا ﷺ: «قَيِّدُوا الْعِلْمَ بِالْكِتَابِ»

«با نگارش، دانش را در بند خویش کشید».^۱

(۲۴) - بی نام تو نامه کی کنم باز؟

پیامبر خدا ﷺ: «كُلُّ كِتَابٍ لَا يَبْدَأُ فِيهِ بِذِكْرِ اللَّهِ فَهُوَ أَقْطَعُ»

«هر نگاشته که یاد کردی از کردگار در آغازش نباشد، ناتمام است».^۲

(۲۵) - با خط زیبا بنویس: «بسم الله ...»

پیامبر خدا ﷺ: «مَنْ كَتَبَ "بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ" فَجُودَهُ تَعْظِيمًا [لِلَّهِ]

فَقَدْ غُفِرَ [لِلَّهِ] لَهُ»

«هر که "بسم الله ...» را با خط خوش نگارد تا بزرگی خدا را پاس دارد،

خدا نیز وی را ببخشد».^۳

(۲۶) - به پُر برگی کتابت ننازا به پُر باری کتابت بنازا!

امام امیرمؤمنان علیؑ: «أَحْمَقُ النَّاسِ مَنْ حَشَى كِتَابَهُ بِالتُّرْهَاتِ»

«هر که نوشتار خویش با یاهونگاری‌ها انباشته کرده است، نابخردترین مردم است».^۴

۱- تحف العقول، ص ۳۶.

۲- مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۴۳۴.

۳- مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۴۳۳.

۴- مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۳۲۲.

۲۷- چرا نوشته هایت را دسته بندی نمی کنی؟

امام باقر علیه السلام (به نویسنده نوشته هایشان فرمود: «أن يصنع هذه الدفاتر كراريس و قال على عليه السلام: وجدنا كتب علي عليه السلام مدرّجة»
«این دفترها باید دسته بندی شوند که ما خودمان نوشته های علی علیه السلام را نیز تقسیم بندی شده دیدیم»^۱).

۲۸- همراه خود چرا قلم نداری؟

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم (به کسی که برخی از کارهایشان را به وی می گفتند و او می نوشت، فرمود: «ضع القلم على أذنك فهو أذكي للمُملَى»
«قلم بر گوش خود بگذار که یادآورنده تر است این کار هر نگارنده ای را»^۲).

۲۹- قلم به داد حافظه می رسد!

مردی از انصار هماره در مجلس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم حضور می یافت و احادیثی را می شنید و شیفته آنها می شد، ولی نمی توانست آنها را حفظ کند. مشکل خود را به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم عرض کرد. حضرت به او فرمود: «استعن بيمينك (و أوماً بيده، أي خطَّ»
«یاری بجو از راست خویش (و حضرت به دست او اشاره فرمود که با آن بنویس»^۳).

۳۰- غلط نگوئیم؛ غلط ننویسیم

امام صادق علیه السلام: «أَعْرَبُوا حَدِيثَنَا فَإِنَّا قَوْمٌ فَصَحَاءُ»

۱- مستدرک الوسائل، ج ۱۷، ص ۲۹۳.

۲- بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۵۰.

۳- بحار الانوار، ج ۲، ص ۱۵۲.

«سخن ما را درست و شیوا بیان کنید، که ما از تبار شیوا سخنانیم».^۱

(۳۱) - چرا نمی نویسید؟!

امام صادق علیه السلام فرمود: «دخل علیّ أناس من أهل البصرة فسألوني عن أحاديث و كتبوها فما يمنعكم من الكتاب؟ أما إنكم لن تحفظوا حتى تكتبوا»
«مردمانی از بصره نزد من آمدند و سخنانی از من پرسیدند و همه آنها را نوشتند. پس چه چیز است که شما را از نوشتن بازداشته است؟ هان! تا به نوشتن رو نیاورید، به حفظ نوشته ها هم دست نمی یابید».^۲

(۳۲) - خوش خط بنگار و فاصله هم بگذار!

امام امیرمؤمنان علی علیه السلام : «ألق دواتك و أطل جلفة قلمك و فرّج بين السطور و قرمط بين الحروف فانّ ذلك أجدر بصباحة الخطّ»
«در دوات خویش لیفه^۳ گذار و نوک قلم خویش دراز بدار و میان سطرها فاصله بگذار و حروف نزدیک به یکدیگر نگار که این چنین کار، زیبایی خط را سزاوار است».^۴

(۳۳) - چرا نوشته هایت را بازننگری و بازننگاری نمی کنی؟

۱- الکافی، ج ۱، ص ۵۲.

۲- بحارالانوار، ج ۲، ص ۱۵۳.

۳- «لیفه» چیزهایی همچون ابریشم و نخ و موی است که در دوات می گذارند و مرکب بر آن می ریزند تا مرکب «لایق» و شایسته نوشتن شود.

۴- نهج البلاغه، سخن کوتاه ۳۰۷.

امام امیرمؤمنان علی علیه السلام : «ذَا كَتَبْتَ كِتَابًا فَأَعِدْ فِيهِ النَّظَرَ قَبْلَ خَتْمِهِ فَإِنَّمَا تَخْتِمُ عَلَى عَقْلِكَ»

«هرگاه چیزی نوشتی، باید که پیش از مهر نمودنش دگربار در آن بنگری؛ چرا که بر خردورزی خویش مهر پایان می‌زنی»^۱.

۳۴- کتاب، مایه آرامش دل‌هاست

امام امیرمؤمنان علی علیه السلام : «من تسلى بالكتب لم تفتنه سلوة»

«آرامشی از دست نداده است آن که با کتاب‌ها آرامش به دست آورده است»^۲.

۳۵- هر کتابی، ترجمانی است

امام امیرمؤمنان علی علیه السلام : «الكتاب ترجمان النية»

«کتاب یک برگردان است از آنچه درون کتاب نگار است»^۳.

۳۶- گلسرای دانشوران چیست؟

امام امیرمؤمنان علی علیه السلام : «الكتب بساتين العلماء»

«کتاب‌ها گل‌سرای دانشوران است»^۴.

۳۷- این سخنگو کیست که در برابرت نیست؟

امام امیرمؤمنان علی علیه السلام : «نعم المحدث الكتاب»

۱- تصنیف غرر و دررالکلم، ص ۴۹.

۲- معجم الفاظ غررالحکم، ص ۹۶۱.

۳- معجم الفاظ غررالحکم، ص ۹۶۰.

۴- معجم الفاظ غررالحکم، ص ۹۶۱.

« کتاب، خوش سخن گویی است.»^۱

۳۸- آینده را هم به تماشا بایست!

امام صادق عليه السلام: «احتفظوا بكتبكم فَإِنَّكُمْ سوف تحتاجون إليها»

«کتابهای خویش را نگاهبان باشید، که به زودی نیازمندشان شوید.»^۲

۳۹- یک «چهل حدیث» نوشته ای؟

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم: «من كتب عني أربعين حديثاً رجاءً أن يغفر الله له غفر له

و أعطاه ثواب الشهداء»

«هر کس چهل حدیث از من نگارد به آن امید که خدا او را ببامرزد، خدا نیز او را می‌آمرزد و پاداش شهیدانش می‌دهد.»^۳

شیخ آغا بزرگ تهرانی می نویسد: بسیاری از بزرگان با پیروی از این سیره به تألیف کتابی که در آن چهل حدیث گرد آمده باشد، روی آوردند. آن گاه ایشان ۹۰ مورد از اربعین نویسی را بر شمرده است.^۴

مهم‌ترین پیام این حدیث، اهمیت نوشتن حدیث می‌باشد، در نظر داشته باشیم که وقتی قرار باشد هر طلبه‌ای تا روز قیامت با عنایت به این روایت، خود را مسئول حفظ و نشر حداقل چهل حدیث بداند، مجموعاً چه حجم فراوانی از نوشته‌ها و کتاب‌ها در گسترهٔ زمانی در میان مسلمانان منتشر خواهد شد.

۱- معجم الفاظ غرر الحکم، ص ۹۶۱.

۲- الکافی، ج ۱، ص ۵۲.

۳- مکاتیب الرسول، ج ۱، ص ۳۶۱.

۴- الذریعه، ج ۱، ص ۴۰۹-۴۳۳.

۴۰- پیامبر به اصحابش دستور نوشتن می دهد

پس از فتح مکه پیامبر ﷺ در میان مردم برخاست و خطبه ای ایراد کرد. مردی از یمن به نام ابوشاه برخاست و گفت: ای رسول خدا! این خطبه را برای من بنویسید. پیامبر ﷺ خطاب به یارانش فرمود: «این خطبه را برای ابوشاه بنویسید؛ اکتبوا لابی الشاه»^۱.

۱- صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۱۰؛ صحیح بخاری، ج ۳، ص ۹۵، و ج ۸، ص ۳۸.

بخش دوم:

پژوهش و تحقیق

در کلام بزرگان

امر پژوهش و تحقیق، یکی از دغدغه‌های علما، بزرگان و مراجع تقلید بوده است. تحقیق‌های حوزوی و پژوهش‌های دینی اگر دقیق و عالمانه و دین‌ورزانه باشد، می‌تواند گره‌گشایی‌های بسیاری انجام دهد. این بزرگان نیز با وقوف بر این مهم، توصیه‌ها و تأکیداتی را در خصوص پژوهش‌های علمی هم انجام داده‌اند و نکاتی زیبارا برای ما رهپویان پژوهش فرموده‌اند.

(۱) - امام خمینی علیه السلام

الف: رسالت قلم

- قلمی فایده دارد که بیدارگر توده‌های مردم باشد.
- شهدا را قلم‌ها می‌سازند و قلم‌ها هستند که شهید پرورند.
- دماء شهدا اگر چه بسیار ارزشمند و سازنده است ، لکن قلم‌ها بیشتر می‌توانند سازنده باشند.
- قلم ، خودش یکی از اسلحه-هاست ؛ این قلم باید دست اشخاص صالح ، و دست افاضل باشد.
- اشخاصی که قلم در دستشان است متوجه باشند که قلم آنها ، زبان آنها ، در حضور خداست.
- همت بگمارید که قلم و بیان خویش را برای تعالی اسلام و کشور و ملت خود به کار گیرید.
- قلم‌ها اگر در دنیا برای خدا و برای خلق خدا به کار بیفتد ، مسلسل‌ها کنار می‌رود.
- شما کوشش کنید که با بیان و قلم ، مسلسل‌ها را کنار بگذارید و میدان را به قلم‌ها و به علم‌ها و به دانش‌ها واگذار کنید.

- قلم‌ها اگر در دنیا برای خدا و برای خلق خدا به کار بیفتد ، مسلسل‌ها کنار می‌رود ، و اگر برای خدا و برای خلق خدا نباشد مسلسل‌ساز می‌شود.
- آن کسی قلمش قلم انسانی است، که از روی انصاف بنویسد.
- قلمی آزاد است که توطئه‌گر نباشد.
- آن قدری که بشر از قلم‌های صحیح نفع برده است از چیزی دیگر نبرده است.
- مسئولیت بزرگ شما امروز قلم-هایی است که در دست شماست.^۱

ب: تحقیق و پژوهش

- اگر بخواهید عزیز و سربلند باشید؛ باید از سرمایه‌های عمر و استعداد جوانی استفاده کنید. با اراده و عزم راسخ خود به طرف علم و عمل و کسب دانش و بینش حرکت نمایید که زندگی زیرچتر علم و آگاهی آن قدر شیرین و انس با کتاب و قلم و اندوخته‌ها آن قدر خاطره آفرین و پایدار است که همه تلخی‌ها و ناکامی‌های دیگر را از بین می‌برد.
- مهمترین عامل در کسب خودکفایی و بازسازی، توسعه مراکز علمی و تحقیقاتی، تمرکز و هدایت امکانات و تشویق کامل و همه جانبه مخترعین و مکتشفین و نیروهای متعهد و متخصص است.
- مبدا خدای نخواستہ اشتغال به مبادی و مقدمات موجب شود که از غایت اصلی که ابقا و رشد تحقیقات علوم اسلامی [است]، خصوصاً فقه به طریقه‌ی سلف صالح و بزرگان مشایخ همچون «شیخ الطائفه» و أمثاله و در متأخرین همچون «صاحب جواهر» و شیخ بزرگوار «انصاری» بازدارد.^۲
- کوشش نمایند که هر روز بر دقت‌ها و بحث و نظرها و ابتکار و تحقیق‌ها

۱- برگرفته از بیانات نورانی امام در دیدارها، ملاقات‌ها و مناسبت‌های مختلف.

۲- صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۳۱۶.

افزوده شود؛ و فقه سنتی که ارث سلف صالح است و انحراف از آن سست شدن ارکان تحقیق و تدقیق است، محفوظ بماند و تحقیقات بر تحقیقات اضافه گردد.^۱

- اما در مورد دروس تحصیل و تحقیق حوزه‌ها، این جانب معتقد به فقه سنتی و اجتهاد جواهری هستم و تخلف از آن را جایز نمی‌دانم.^۲

- حوزه‌ها و روحانیت باید نبض تفکر و نیاز آینده جامعه را همیشه در دست خود داشته باشند و همواره چند قدم جلوتر از حوادث، مهیای عکس‌العمل مناسب باشند.^۳

۱- صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۳۹۳.

۲- صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۷۳.

۳- صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۷۳.

۲- مقام معظم رهبری^۱

بیماری در عرصه علم و تحقیق

اگر مشاهده می‌کنیم که افراد کار آمدِ فکری ما در دانشگاه‌ها و کارگاه‌ها و مراکز تحقیق، به نوآوری‌هایی که برای یک محقق، نان و آب و شهرتی ندارد، اما زحمت زیادی دارد، کمتر تن می‌دهند و به کارهای آسان‌تر و سهل‌تر تسلیم می‌شوند، یک بیماری فرهنگی است.^۲

عشق به کار تحقیقی

این تحقیقات عظیمی که در دنیای علم شده، به وسیلهٔ کسانی انجام شده است که غالباً در دوره تحقیق، مردمان نام‌آوری نبودند و روی عشق به تحقیق و علم و محصول کار تحقیقی خود، کاری را با زحمت شروع کردند و رنج آن را بر خود هموار ساختند. نتیجه اینک ار، چیز عظیمی برای یک ملت شده است. البته، سیاست‌ها هم از محصول علمی و تحقیقی آنها بدخواهانه سوء استفاده کرده‌اند که ما نمی‌توانیم سوء استفاده سیاست‌ها را به حساب نفس تحقیق و انگیزه آن بگذاریم.^۳

۱- این سخنان معظم له غیر از سخنانی است که در کتاب «تحقیق و پژوهش در کلام مقام معظم رهبری» از حقیر به چاپ رسیده است.

۲- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با اعضای شورای انقلاب فرهنگی، ۱۳۶۸/۰۹/۲۱.

۳- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با اعضای شورای انقلاب فرهنگی، ۱۳۶۸/۰۹/۲۱.

جامعه علمی مطلوب اسلامی

گسترش دانش و تحقیق و رشد علمی و شکوفایی استعدادهای انسانی و گسترش آگاهی و معرفت عمومی، یکی دیگر از نقاط اساسی انقلاب است. جامعه مطلوب اسلام، جامعه‌ای است که در آن، گنجینه‌های فکر و ذهن انسان‌ها - که گرانبهاترین ثروت ملی هر جامعه‌ای است - استخراج و به کار گرفته شود؛ بی سوادی ریشه کن گردد؛ مدارس در بر گیرنده همه کودکان و نونهالان؛ دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه، پُر رونق؛ مراکز تحقیق، فعال و پیشرو؛ کتاب‌ها، همه جا و نزد همه کس رایج؛ مطبوعات، پُر مغز و آگاهی بخش؛ دانشمندان و اساتید، بانشاط و پرانگیزه؛ مبتکران و نوآوران و نویسندگان و هنرمندان، دلگرم و فیض بخش باشند.^۱

جبران عقب افتادگی علمی و تحقیقاتی

شکی نیست که هر کسی در این کشور می‌داند - به خصوص شما جوانان - که ما در میدان‌های علمی دنیا و در میدان صنعت و فناوری و پیشرفت‌های علمی و تحقیقات، جزو کشورهایی هستیم که سال‌ها باید تلاش کنیم تا خودمان را به آن نقطه‌ای که شایسته است برسانیم. این عقب افتادگی، بر اثر ۵۰ سال حکومت رژیم بی‌کفایتی است که نتوانست از ظرفیت عظیم این کشور و از استعداد خروشان این ملت استفاده کند.^۲

۱- پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی علیه السلام، ۱۳۶۹/۰۳/۱۰.

۲- بیانات مقام معظم رهبری در جلسه پرسش و پاسخ با جوانان در دومین روز از دهه مبارکه فجر (روز انقلاب اسلامی و جوانان)، ۱۳۷۷/۱۱/۱۳.

غرب و قیام علمی علیه دین تحریف شده

نگاه اسلام به انسان، به علم، به زندگی، به بشر، به عالم طبیعت و به عالم وجود، نگاهی است که معرفت نوینی را در اختیار انسان می گذارد. این نگاه، زیربنا و قاعده و مبنای تحقیقات علمی در غرب نبوده. تحقیقات علمی در غرب، در ستیز با آنچه آن رادین می پنداشتند، آغاز شده. البته آنها حق داشتند؛ دینی که رنسانس علیه آن قیام کرد و خط فکری و علمی دنیا را در جهت مقابل و مخالف آن ترسیم کرد، دین نبود؛ توهمات و خرافاتی بود با عنوان دین ...^۱

برخورد سالم افکار در محافل علمی و پژوهشی

صاحبان فکر باید بتوانند اندیشه خود را در محیط تخصصی، بدون هوچی گری، بدون عوام فریبی و جنجال تحمیلی و زیادی مطرح کنند و آن نقّادی شود؛ یک وقت به طور کامل رد خواهد شد، یک وقت به طور کامل قبول خواهد شد، یک وقت هم در نقّادی اصلاح خواهد شد و شکل صحیح خود را به دست خواهد آورد. این اتفاق باید بیفتد. ما الآن این را نداریم. البته من به شما بگویم که محیط حوزه از این جهت بهتر از محیط دانشگاه است. علت این است که در حوزه، نقّادی یکی از محورهای اصلی است. همه این بزرگان حوزه که شما ملاحظه می کنید - چه آنهایی که امروز هستند و چه بزرگ‌ترهایی که در نسل‌های گذشته ما بودند- اصلاً در همین محیط نقّادی بزرگ شده اند. هیچ متکلمی و هیچ فیلسوف یا فقیهی از این که یک نظر مسلم فقهی یا اصولی یا کلامی قبل از خود را به کلی ابطال کند، ابایی ندارد و از این که کسی به او بگوید چرا ابطال کردی هم باکی ندارد؛ چون چنین چیزی اصلاً در حوزه گفته نمی

۱- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با اساتید دانشگاه ها، ۱۳۸۳/۰۹/۲۶.

شود. این سنت حوزه است که نظرات گذشتگان را مطرح کند. شما ملاحظه کنید؛ امام رضوان الله علیه، آن وقت که در قم تشریف داشتند، در درس اصول، تقریرات مُد روز را که نظرات مرحوم آیت الله نائینی بود، ذکر می‌کردند. بعد فیه اولاً، ثانیاً، ثالثاً، رابعاً و خامساً، اساس حرف را اصلاً به هم می‌ریختند. هیچ کس نمی‌گفت چرا. خوب؛ اگر کسی طرفدار آن نظریه بود، می‌رفت در درس خود یا در حاشیه‌ای که به تقریرات استاد می‌زد، می‌نوشت که من این حرف استاد را قبول ندارم.

تقریرات امام در بعضی از بخش‌ها، چاپ شده است. شما نگاه کنید، در موارد بسیاری، امام مبانی بزرگان قبل از خود را خرد کرده و مبنای جدیدی به جای آنها گذاشته اند، آن وقت محشّی که شاگرد امام و تقریر نویس است، در موارد متعددی حاشیه زده و به امام اشکال کرده که انی فرمایش ایشان درست نیست و همان حرف مثلاً صاحب مبنای قبلی درست است. [در این صورت] نه صاحب مبنای قبلی در نظر کسی کوچک می‌شود، نه کسی به امام اعتراض می‌کند و نه کسی به محشّی که شاگرد امام است، اعتراض میکند. این طبیعت حوزه است. البته این کارها باید سازماندهی شود. ما باید این تحریبات ناشی از مباحثه و گفت و گوی سالم و محترمانه و شجاعانه را به صورت تجربه‌های انباشته‌ای در آوریم تا بتوانیم از آنها استفاده کنیم و علم را بارور نماییم. عین همین قضیه در دانشگاه وجود دارد. بارها گفته‌ام، این نهضت نرم‌افزاری که من در این همه در دیدارهای دانشگاهی بر روی آن تأکید کردم، به همین معناست. ما باید علم و فرهنگ را تولید نماییم و باید کار اساسی کنیم. حکومت باید به صورت آشکار از برخورد افکار به صورت سالم حمایت کند.^۱

۱- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اعضای انجمن اهل قلم، ۱۳۸۱/۱۱/۰۷.

آموزش بر مبنای پژوهش

مسئله تغییر بنای آموزش بر مبنای پژوهش - که گفته شد - حرف درستی است. این موضوع را قبلاً هم در جلسه بزرگی از قبیل همین جلسه به من گفته اند؛ با این تفاوت که شرکت کنندگان آن جلسه غالباً اساتید قدیمی و مجرب دانشگاه‌ها بودند. در آن جا هم یک استاد کاملاً مورد اعتماد، همین مطلب را بیان کرد. روی این کار تأکید شده که انجام شود؛ منتهی شما می‌دانید که یان طور کارهای بنیانی، زمان می‌طلبد. به هر حال فکر، فکر کاملاً درستی است و باید دنبال کرد.^۱

ترویج تحقیق و پرورش محقق

فضای عمومی کشور بایستی فضای ترویج، تولید، گسترش و تحقیق علم و پرورش عالم و محقق باشد. وقتی فضای عمومی این طور شد، معنایش این نیست که لزوماً در همه خانه‌ها یا در هر نقطه ای از جامعه بایستی علم به وجود آید؛ نه، بلکه علم لازم است در نقطه مناسب خودش به وجود آید. فضا، فضای علمی خواهد بود؛ فضای تحقیقی خواهد بود؛ منتها بدیهی است که وقتی فضای علمی در کشور به وجود آید، این علم و تحقیق در نقطه مناسب و متناسب رشد خواهد کرد؛ مثلاً در دانشگاه‌ها، پژوهش‌گاه‌ها و از این قبیل مراکز.^۲

۱- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با جوانان نخبه، ۱۳۸۲/۱۱/۲۱.

۲- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با جوانان نخبه، ۱۳۸۲/۱۱/۲۱.

تولید و فرآوری علم

ما در زمینه علوم انسانی احتیاج به تحقیق و نوآوری داریم. مواد و مفاهیم اساسی‌ای هم که بر اساس آن می‌توان حقوق، اقتصاد، سیاست و سایر بخش‌های اساسی علوم انسانی را شکل داد و تولید و فرآوری کرد، به معنای حقیقی کلمه در فرهنگ عریق و عمیق اسلامی ما وجود دارد که باید از آن استفاده کنیم. البته در این قسمت، حوزه و استادان مؤمن و معتقد به اسلام می‌توانند با جستجو و تفحص، نقش ایفا کنند. این جا از آن جاهایی است که ما باید به تولید علم برسیم.^۱

به ISI اسلامی فکر کنید

بیاپید روی ایجاد یک مرکز ISI اسلامی فکر کنید و در این خصوص با کشورهای اسلامی وارد مذاکره شوید. ما خوشبختانه در بین کشورهای اسلامی، پیشرفته هستیم. البته ایجاد این مرکز اسلامی معنایش این نیست که رابطه خود را با ISI در دینا قطع کنیم؛ نه، این مرکز را هم به وجود بیاوریم تا متعلق به خودمان باشد؛ این هم بشود یک مرجع معتبر. از این کارها هر چه بیشتر بکنید، ان شاء الله به پیشرفت کشور بیشتر کمک خواهید کرد.^۲

۱- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار جمعی از استادان دانشگاه‌های سراسر کشور، ۱۳۸۲/۰۸/۰۸.

۲- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار وزیر علوم و ارشاد دانشگاه‌ها، ۱۳۸۳/۰۱/۱۷.

نیاز علمی، نیز حقیقی

کسانی که قلم به دست دارند و وظیفه فرهنگی دارند، باید روز به روز علم و تحصیل را ترویج کنند. ما شعار نهضت نوآوری علمی و جنبش نرم افزاری را مطرح کرده‌ایم؛ انتظار این بوده است که اهل علم، اهل دین، اهل قلم، اهل دانشگاه، اهل حوزه در این جهت حرکت کند، و بسیاری حرکت کرده‌اند؛ اما می‌بینیم بعضی با این نیاز حقیقی - که حرکت علمی، نیاز حقیقی این کشور است - همراهی نکردند. اینها نشانه‌های خوبی از مجموعه‌هایی که این طورند، ارائه نمی‌دهند.^۱

اسلامی شدن محیط‌های علم و تحقیق

اساتید و مدیران مراکز آموزشی و تحقیقاتی در کنار اهتمام بلیغ نسبت به ارتقای سطح دانش و پژوهش - که پایه اصلی رشد و توسعه کشور می‌گردد - بر اسلامی کردن محیط آموزش و زدودن آثار سوء فرهنگ وارداتی و تقویت بنیه دینی و سیاسی دانشجویان و دانش‌آموزان - که امیدهای آینده کشورند - همت گمارند و با برنامه‌های ابتکاری و ضربتی، ریشه کن ساختن بی‌سوادی و گسترش دانش در سطح جامعه را چون هدفی مقدس، تعقیب کنند.^۲

باید به اوج برسیم

به طور جدی درس بخوانید - علمی را که امروز در اختیار حوزه‌های علمیه است، فرا بگیرید و از بن دندان خودتان را به سطح تحقیق برسانید.

۱- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در اجتماع بزرگ مردم همدان، ۱۳۸۳/۰۴/۱۵.

۲- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی به ملت شریف ایران در چهلمین روز ارتحال

حضرت امام خمینی علیه السلام، ۱۳۶۸/۰۴/۲۳.

انسان با سر هم بندی محقق نمی‌شود. با برف انبار کردن، انسان فقیه و فیلسوف نمی‌شوید. باید محکم، خشت خشت این پایه را روی هم بچینید و بروید تا به آن اوج برسید.^۱

طلبه، درس و تحقیق

... بی درس و تحقیق و بی مباحثه، طلبه معنای خود را از دست می‌دهد.^۲

شناسایی استعداد های علمی و پژوهشی

استعداد های درخشان را در میان حوزه جمع آوری و طبقه بندی کنیم؛ این از کارهایی است که امروز در دنیا رایج است. نمی‌شود بگوییم که این درس هست؛ هر کس می‌خواهد بیاید، بیاید؛ هر کس هم نمی‌خواهد، نیاید؛ ما این طوری درس می‌دهیم و ملاحظه اضعف مأمومین را می‌کنیم! مگر چنین چیزی می‌شود؟ باید برای اقوای مأمومین هم کی درس ویژه گذاشت. استعدادها باید شناسایی و طبقه‌بندی بشود؛ آن استعداد درخشان برکشیده شود و به او آموخته شود و از او استفاده شود؛ اینها کارهایی است که در جمله کارهای جدیدی قرار می‌گیرد؛ اینها باید در حوزه انجام بگیرد.^۳

۱- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار طلاب و اساتید مدرسه علمیه آیت الله مجتهدی علیه السلام، ۱۳۸۳/۰۳/۲۱.

۲- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با مجمع نمایندگان طلاب و فضایی حوزه علمیه قم، ۱۳۶۹/۱۱/۰۴.

۳- سخنرانی مقام معظم رهبری در اجتماع طلاب و فضایی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۰/۱۲/۰۱.

(۳) - آیت الله العظمی شیخ حسین مظاهری (مدظله العالی)

پیام آیت الله العظمی مظاهری ^{مدظله العالی} به اختتامیه چهارمین

جشنواره علمیه حلی ^ع استان اصفهان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«الحمد لله الذي علم بالقلم، علم الانسان ما لم يعلم و صلى الله على سيدنا محمد النبي الخاتم و على آله خزان العلم و اصول الكرم»

خداوند سبحانِ علیم را سپاسگزاریم که جشنواره علمیه حلی ^ع برای چهارمین دوره متوالی در حوزه علمیّه اصفهان و به منظور تجلیل از طلبان جوانِ قلم به دست، برگزار می‌گردد. این حادثه خجسته و امیدبخش، نشان از وجود استعدادهای برتر و آینده‌ساز در این حوزه کهن هزار ساله است که با نشاط علمی و پژوهشی خود، چراغ امیدواری به آینده‌ای درخشان برای حوزه علمیّه اصفهان را روشن نگاه داشته‌اند.

تقدیر و تکریم این امیدهای جوان، حرکتی سازنده و نشأت گرفته از فعل الهی است: «يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ».

با تشکر صمیمانه از همه متصدیان و مسئولان برگزاری این جشنواره خصوصاً مرکز مدیریت حوزه علمیّه اصفهان و اداء احترام به پدیدآورندگان آثار برگزیده، نکاتی را یادآور می‌شوم:

(۱) اهمیت و ضرورت تحقیقات و پژوهش و جایگاه بی‌بدیل آن در حوزه‌های علمیّه، به قدری روشن و واضح است که نیازی به تفصیل و توضیح ندارد. «پژوهش» مغز کار حوزوی و آبروی حوزه علمیّه است و بدین سبب باید در مجموعه نظام و سازمان حوزه‌های علمیّه، برخوردار از جایگاه برتر و مشمول عطف توجّه ویژه مسئولان امر باشد.

هم شناسایی نخبگان و پژوهشگران و هم گشودن چتر حمایتی خاص از آنان در همهٔ زمینه‌ها و هم زمینه‌سازی برای تربیت محققان جدید از وظایف سنگین و بسیار ضروری مراکز و دستگاه‌های آموزشی و پژوهشی حوزهٔ علمی است و تنها بدین وسیله می‌توان، سطح مشارکت طلبان عزیز جوان را در عرصه‌های علمی و تحقیقی و نگارش آثار علمی، افزایش داد.

البته روشن است که رشد و ارتقاء سطح پژوهش و تحقیقات، وابستگی تمام عیار به تقویت بنیهٔ علمی و دانایی طلبان گرامی دارد و زیر بنا و بنیان پژوهش، آموزش است و لازم است تا در یک جهت‌گیری دقیق، برنامه‌های آموزشی حوزه به طور متناسب، به صورت «پژوهش محور» تدوین و ترسیم گردد و به جای تکیه بر کمیّت و غفلت از عمق و دقّت، آموزش طلبان از سطوح مقدمات تا زمان حضور در عرصهٔ دروس خارج - که میدان وسیع تحقیقات و پژوهش‌های دامنه‌دار است - به گونه‌ای تنظیم شود که یک طلبهٔ جوان پس از مدّت کوتاهی تعلّم و تحصیل، به طور طبیعی در صف محققان و پژوهشگران وارد شود و بتواند در زمینه‌های مورد علاقه و تعلق خود به خلق اثر قابل قبول علمی بپردازد.

۲) اگرچه عالمان علوم دینی و معارف الهی در طول تاریخ حوزه‌های علمی، تألیفات و تحقیقات عدیده‌ای را در ابعاد و زمینه‌های گوناگون، از خود به جای گذارده‌اند و ما امروز بر سر یک سفرهٔ گستردهٔ پر نعمت و متنوع علمی و پژوهشی نشستیم و از فیض تحقیق و قلم غواصان دریای بی‌پایان علوم الهی، بهره مندیم، اما بی‌تردید، رشد فزایندهٔ مسائل و موضوعات علمی و نیاز عرصه‌های مختلف به تلاش و بررسی‌های عالمانه و محققانه، در مجموع شرایطی را پیش روی ما قرار داده است که باید فعالیت‌های پژوهشی حوزه‌ها را بیش از پیش، گسترش دهیم و برای دفاع علمی و عقلانی از معارف والای اسلامی و تبیین متین و عالمانهٔ این معارف، اهتمام نماییم.

از این رو قلم‌اندازی کردن و پدیدآوردن آثار کم‌مایه و بی‌مایه و یا رونویسی آثار گذشتگان و بازنویسی‌های مکرر و غیر ضروری از تألیفات پیشینیان، نه تنها خدمت به معارف اسلامی نیست بلکه مایهٔ زحمت برای خوانندگان است. قلم مؤلفان - به بیان بلند امیرمؤمنان - گویاترین نماد آنان و روشن‌ترین انعکاس شخصیتی و نشان‌دهندهٔ وزن و طراز علمی آنان: «قلمک ابلغ ما ینطق عنک» است و از این جهت بر همهٔ خالقان آثار مکتوب در حوزه‌های علمیّه خصوصاً طلبان جوان عزیز که آیندهٔ حوزه‌های علمیّه در دست اندیشه و تفکر آنان قرار دارد، فرض عینی است که همواره در حال تلاش و مجاهدت بی‌وقفه علمی و درک حضور اساتید فن باشند، تا ان‌شاءالله، اثرات آنان، آبرو و چشم‌روشنی حوزه‌های علمیّه و طبعاً مایهٔ رضایت و خشنودی حضرت بقیةالله‌الأعظم «ارواحنا فداه» باشد.

فرزندان عزیز جوان بدانید که رسیدن به رتبهٔ شخصیت‌های بزرگی همانند علامه علی‌الاطلاق، حضرت علامهٔ حلی «علی‌الله مقامه الشریف» - که جشنوارهٔ امروز شما مزین به نام درخشان و پر تالکو اوست - جز از مسیر جهاد علمی پایان‌ناپذیر و فدا کردن بسیاری از خواست‌ها و امیال و آرزوهای معقول و مشروع در پیش پای تحصیل و تعلّم علم، امکان‌پذیر نیست.

۳) البته بی‌شک این فضل و توفیق الهی است که باید تلاش‌های گستردهٔ شما را به ثمر برساند: «فَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَیْكُمْ وَ رَحْمَتُهُ لَکُنْتُمْ مِنَ الْخَاسِرِينَ» و آنچه مایهٔ جلب فضائل و توفیق خداوند تعالی است، اخلاص در عمل و انضمام ایمان و عمل صالح است: «وَيَسْتَجِيبُ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ يَزِيدُهُمْ مِنْ فَضْلِهِ».

عزیزان من! خلوص، رنگ خداست: «صِبْغَةَ اللَّهِ وَ مَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً». این رنگ روح‌افزا و چشم‌نواز را در جهاد علمی خود، هیچ‌گاه فراموش نکنید و

بدانید که تفکر و تحقیق، باید پس از قیام برای خدا باشد: «قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلِي وَفُرَادَى ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا» چنان که تعلیم الهی، پس از تقوای الهی و متفرع بر آنست: «وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ يُعَلِّمَكُمُ اللَّهُ وَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ». از خداوند تعالی با ابتهال و نیاز، مسألت می‌کنم تا شما طلبان جوان گرامی را در رسیدن به قلّه‌های علم و عمل و ساختن آینده‌ای درخشان برای حوزه‌های علمیّه، توفیق روزافزون، کرامت فرماید و قلب مقدّس حضرت ولی‌الله‌الاعظم «ارواحنا فداه و عجل‌الله فرجه‌الشریف» را از شما سربازان سرنوشت‌ساز و تلاشگر، مسرور و مبتهّج سازد و همه شما و ما را مشمول ادعیّه زاکیه آن بزرگوار فرماید. «إِنَّ رَبِّي لَسَمِيعُ الدُّعَاءِ».

والسّلام علیکم و رحمة‌الله و برکاته

حسین المظاهری

۳ / جمادی‌الاول / ۱۴۳۵

۱۴ / اسفند / ۱۳۹۲

پیام آیت الله العظمی مظاهری ^{مدظله العالی} به اختتامیه پنجمین

جشنواره علامه حلّی ^{رحمته} استان اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ

اینک که در آستانه سالروز میلاد مسعود اسوه انسان و تجلی ایمان، حضرت فاطمه زهرا ^{علیها السلام} از اصحاب قلم در حوزه علمیه اصفهان تکریم و تقدیر می‌شود، باید از نقش‌آفرینان این همایش تشکر نمائیم.

نخست از پدید آورندگان آثار علمی و صاحبان قلم که با تلاش خود در عرصه تألیف و تحقیق، حرکت کاروان علم را رونق می‌بخشند و سپس از متصدیان و دست‌اندرکاران برگزاری پنجمین جشنواره علامه حلّی ^{رحمته} و اولین همایش کتاب سال حوزه و آنگاه از همه شما شرکت‌کنندگان گرامی که با حضور خود، احترام به قلم و اصحاب قلم را تثبیت نموده‌اید. شایسته می‌دانم تا در این فرصت، پنج نکته شایان توجه را متذکر گردم:

۱- کتاب، همچنان یکی از مظلوم‌ترین پدیده‌های اطراف ماست و علی‌رغم نقش برجسته و سرنوشت‌ساز کتاب در تحکیم و ارتقاء ابعاد فرهنگی انسان و جامعه، جایگاه این وسیله آگاهی‌بخش، در منظومه زندگی ما آن چنان که باید باشد، نیست.

برای رفع این نقیصه، باید همگان به سهم خود کوشش کنیم تا به تدریج غبار غربت از کتاب و کتاب‌خوانی در جامعه ما زدوده شود. هم عالمان و محققان در تولید و تألیف کتاب‌های مفید و سازنده، بیشتر بکوشند و هم مجامع علمی و پژوهشی حوزوی و دانشگاهی در حمایت از مؤلفان و تکریم پدیدآوردگان آثار شایسته، اهتمام فزون‌تری بنمایند و هم

دستگاه‌های ذی‌ربط در دولت و نیز در بخش‌های غیر دولتی، زمینه‌ها را برای دستیابی اقشار گوناگون مردم به کتاب و تشویق آنان به کتاب‌خوانی به طور گسترده فراهم آورند و بالاخره قشرهای مختلف هم، خصوصاً متعلمان و تحصیل‌کردگان، مصاحبت و مؤانست خود را با کتاب، هر چه بیشتر و عمیق‌تر سازند. رشد عقلی و معنوی و فرهنگی ما در گرو انس دائمی با کتاب است و بسیاری از آفت‌های فکری، عقیدتی و اخلاقی رایج، ریشه در بیگانگی با کتاب و غیبت کتاب در صحنه زندگی ما دارد.

۲ - مؤلفان و اصحاب قلم باید در قدم اول به مسئولیت بزرگ خود در قبال خوانندگان و در برابر اجتماع توجه داشته باشند. حرمت قلم و التزام به اخلاق تألیف و نگارش در هر حوزه علمی و اندیشه‌ای، باید اولین دغدغه یک مؤلف به شمار آید؛ چرا که تضمین‌کننده مفید بودن یک اثر همین التزام و توجه جدی به مسئولیت‌های مؤلف در قبال خوانندگان است. وقت و فکر خوانندگان، سرمایه‌های بزرگی است که مؤلفان باید آن را به بهترین نحو در تصرف فرهنگی خود در آورند و آن را به هدر ندهند.

۳ - سطحی‌اندیشی، آفت بزرگ ساحت تألیف است. سطحی‌اندیشی بدین معناست که مؤلف، یا به عنوان وفاداری به اصول، در ورطه جمود و تحجر گرفتار شود و یا به نام اصلاح‌گری و نوسازی در باتلاق التقاط و انحراف بیفتد.

هنر یک مؤلف محقق، حفظ اعتدال واقعی در این عرصه و پافشاری بر اصول در عین روشن‌بینی و گره‌گشایی از مسائل نوپدید و مشکلات جدید است و اساساً تولید علم و اندیشه از همین مسیر امکان‌پذیر است. در علوم دینی و معارف حوزوی نیز، مفهوم درست اجتهاد که ریشه در بیانات عترت طاهره علیها السلام نظیر «عَلَيْنَا إِقَاءُ الْأُصُولِ وَ عَلَيْكُمْ التَّفْرِيعُ» دارد، ناظر به همین معناست.

۴- توجه به اولویت‌های مختلف نظری و کاربردی و پرهیز از دوباره‌کاری‌های بی‌فایده یا پرداختن به مسائل غیر ضروری که در لسان روایات، از آن به (علم غیرنافع) تعبیر شده است، یکی دیگر از بایدهای پیش روی مؤلفان و محققان است. در این زمینه، دستگاه‌های پژوهشی نیز باید به کمک پدیدآورندگان آثار آمده و آنان را از ضرورت‌ها و اولویت‌های مورد نیاز جامعه در بخش‌های مختلف علمی یا عمومی، آگاه سازند.

۵- نقد سازنده و خیرخواهانه که همراه با رعایت اخلاق نقد باشد، وسیله مهمی برای رشد فکری مؤلفان و محققان است و از این جهت آنان باید با سعه صدر از نقد سازنده استقبال کنند و آن را به سود خویش و به نفع فضای علمی و اندیشه‌ای بشمارند.

امید است با تلاش و اهتمام فزون‌تر اصحاب قلم فضای فکری و فرهنگی در کشور ما به ویژه در حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌ها، از رشد و ارتقاء و تعمیق هر چه بیشتر برخوردار شود. ان شاء الله
بار دیگر از همه شما عزیزان تقدیر و تشکر می‌کنم و توفیقات همگان را از خداوند سبحان مسألت می‌نمایم.

حسین المظاهری

۱۹ جمادی‌الثانی / ۱۴۳۵

۲۰ اردیبهشت / ۱۳۹۳

پیام آیت الله العظمی مظاهری ^{مدظله العالی} به اختتامیه ششمین

جشنواره علامه حلی رحمته الله علیه استان اصفهان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خداوند بزرگ را از صمیم جان سپاس و شکر می‌گزاریم که ششمین دوره جشنواره تحقیقات و پژوهش‌های طلبان عزیز جوان در حوزه علمی اصفهان - که مزین به نام نامی علامه عالی‌مقام و شخصیت عظیم‌القدر عالم اسلام حضرت علامه حلی رحمته الله علیه است - برگزار می‌شود و ما شاهد تلاش‌ها و کوشش‌های سرمایه‌های آینده‌ساز این حوزه کهن - که باید به صورت مستمر و تعمیق یافته، گسترش و ادامه یابد - می‌باشیم.

از این فرصت، بهره می‌گیرم و چند نکته مهم و ضروری را به اختصار با شما عزیزان در میان می‌گذارم.

نخست آنکه: در انجام تحقیقات و پژوهش‌های دینی همانند سایر مطالعات و تحقیقات علمی، اصول و ضوابطی معین وجود دارد که اگر محقق بخواهد، پژوهش خود را به سر منزل اقبال و قبول برساند، ناگزیر باید در چارچوبه این معیارها و اصول، حرکت کند. از جمله اهم این معیارها آن است که نمی‌توان درباره موضوعی علمی، سخن قابل توجه گفت بدون آنکه در آن موضوع، به میزان لازم، مطالعه و بررسی و تتبع و تدقیق کرد. حرف‌هایی که از سر حس بی‌نیازی از مطالعه و کنکاش علمی زده می‌شود اگر در وهله اول هم سر و صدای ظاهری و رونقی پیدا کند، اما در نظر اهل علم و دانش، قدر و منزلتی نخواهد یافت و به زودی افول خواهد کرد و در عرصه و گردونه دانش و علم باقی نخواهد ماند. طلبان جوان و عزیزی که عزم خود را برای ورود در ساحت تحقیقات و پژوهش‌های

دینی جزم کرده‌اند، باید پیش از هر چیز خود را برای یک مجاهدت بزرگ علمی آماده سازند و بی‌وقفه بر زاد و توشهٔ دانش خود بیفزایند.

با کمال تأسف، افت برخی از شیوه‌های رایج و سنت‌های مقبول حوزوی، نظیر پیش مطالعهٔ دروس، نظم درسی و حضور مستمر در درس و بحث، مطالعهٔ عمیق متون و شروح مفید و علمی، مباحثه و تقریرنویسی و جایگزینی اموری سطحی مثل درس‌های نواری، بی‌نظمی درسی، حضور گاهگاهی و بی‌انگیزه در درس و بحث، خلاصه‌خوانی دروس برای خلاصی از امتحان، مراجعه به شروح بی‌مایه و غیر علمی و امثال این کارهای بی‌پایه، بی‌تردید، آیندهٔ علمی حوزه‌ها را در معرض تهدید جدی قرار می‌دهد و هیچ‌گاه باور نکنید که از چنین فضایی، که چراغ درس خواندن به معنای حقیقی کلمه و جهاد علمی، بی‌فروغ یا کم‌فروغ باشد، انوار درخشانی همانند حضرات ثقة الاسلام کلینی و شیخ مفید و سید مرتضی و شیخ طوسی و علامه حلی و شهیدین و صاحب جواهر و صاحب ریاض و شیخ انصاری و آخوند خراسانی و صاحب عروه و محقق حائری و محقق بروجردی و امام خمینی «قدس الله تعالی اسرارهم» بدرخشند.

جوانان عزیز طلبه! عمر ما کهنسالان، رو به پایان است، امید آیندهٔ حوزه‌های علمیّه تشییع شماست. الله‌الله در مجاهدت بی‌وقفهٔ علمی، الله‌الله در استفادهٔ درست از فرصت طلایی جوانی و تلاش بی‌پایان برای ارتقاء سطح دانش و آگاهی. آری، فرصت جوانی را حقیقتاً مغتنم بشمارید و از درس و بحث و مطالعه و تحقیق جدا نشوید تا به امید خداوند برای آیندهٔ حوزه و کشور و اسلام و مسلمین مفید باشید. ان‌شاءالله.

دوم: در انجام تحقیقات و پژوهش‌ها، بدون شک باید اولویت اول به امور و موضوعاتی تعلق گیرد که کاربرد آن‌ها در جامعه و صحنهٔ عمل انسان‌ها، بیشتر است. موضوعاتی که صرفاً بحث‌های علمی و نظری طولانی را به خود

اختصاص می‌دهد، هرچند برای ورزیدگی ذهنی و فکری، سودمند است، اما به طور جدی باید توجه داشته باشیم که رسالت ما در حوزه‌های علمیه، یک مسئولیت خطیر و سنگین در تبیین هرچه بهتر دین و معارف دینی برای انسان‌ها و روشن ساختن ابعاد مختلف و متکثر و متنوع دین و دین‌داری و شیرین ساختن تدین و التزام به اصول و ارزش‌های دینی در ذائقه بشریت، خصوصاً نسل حق‌طلب و تکامل‌خواه جوان است و از این جهت، وظیفه ما در میدان عمل و در صحنه جامعه، بروز می‌کند و باید تحقیقات و مطالعات و پژوهش‌های ما ضمن آنکه از یک عقبه متین علمی برخوردار است، هرچه بیشتر کاربردی و کارآمد برای گشودن گره‌های نظری و حل مشکلات عملی اجتماع در عرصه دین و دین‌داری باشد.

از همین رو بود که استاد عظیم‌الشان ما، امام راحل که یک عالم روشن‌بین بودند در منشور روحانیت تأکید فرمودند که: «حوزه‌ها و روحانیت باید نبض تفکر و نیاز آینده جامعه را همیشه در دست خود داشته باشند و همواره چند قدم جلوتر از حوادث، مهبیای عکس‌العمل مناسب باشند. چه بسا شیوه‌های رایج اداره امور مردم در سال‌های آینده تغییر کند و جوامع بشری برای حل مشکلات خود به مسائل جدید اسلام نیاز پیدا کند. علمای بزرگوار اسلام از هم اکنون باید برای این موضوع فکری کنند».

به همین مناسبت به متصدیان این جشنواره، ضمن تشکر از تلاش‌هایشان، این نکته را یادآوری می‌کنم که مناسب است با مطالعه و بررسی، فهرستی از موضوعات مورد نیاز واقعی و هرچه کاربردی‌تر، تنظیم و در اختیار محققان جوان قرار گیرد تا کمکی به آنان در انتخاب درست موضوع شده باشد.

سوم: اخلاق و اخلاص را در همه امور و از جمله در کارهای تحقیقی و پژوهشی فراموش نکنید. اخلاق پژوهش و تحقیق باید هرچه بیشتر و هرچه بهتر از سوی حوزویان رعایت شود و التزام به اصول اخلاقی همانند حقیقت‌طلبی، احترام به

آراء و نظرات دیگران، پرهیز از انتحال و دستبرد به دستاوردهای علمی دیگران، پرهیز از شتابزدگی، عدم دخالت دادن تعلقات و امیال شخصی در پژوهش و خصوصاً پرهیز از متهم ساختن دیگران به بی‌سوادی، بی‌دینی، کج‌فهمی و نظایر آن، هیچ‌گاه نباید از سوی محققان و پژوهش‌گران خصوصاً طلبان جوان که در ابتدای راه قرار دارند، مورد غفلت واقع شود.

اخلاص هم جزیی از همین اخلاق پژوهش و تحقیق است. تصحیح انگیزه و نیت در هر امری، هم موجب باز داشتن ما از لغزش‌ها و کارهای غیر اخلاقی و ضدّ اخلاقی است و هم مایهٔ وصول ما به قرب الهی خواهد بود. اخلاص در پژوهش و تحقیق، بدین معناست که تحقیق در خدمت اهداف الهی و ایصال بشر به سعادت و قرب خداوند باشد.

جوانان عزیز! الله‌الله فی الاخلاق، الله‌الله فی الاخلاص. و بدانید که بی‌تردید در فضایی که چراغ فروزان اخلاق و اخلاص، افول کند، هیچ‌گاه شخصیت‌های برجسته‌ای همچون ابن فهد حلّی و سید بن طاووس و سید بحر العلوم و سید علی قاضی و علامهٔ طباطبایی «رضوان‌الله‌تعالی‌علیهم» پدید نخواهند آمد.

توفیقات همهٔ شما عزیزان را در نیل به مراتب عالیّهٔ علمی و اخلاقی از خداوند رحمان و رحیم مسألت می‌کنم و تلاش‌های شما محققین جوان را به سهم خود ارج می‌نهم و از متصدیان این جشنواره و مرکز مدیریت حوزهٔ علمیّهٔ اصفهان و همهٔ خدمت‌گزاران به آستان حوزهٔ علمیّهٔ مقدّسهٔ اصفهان، صمیمانه تقدیر و تشکر می‌کنم و دعای مستجاب حضرت ولی‌الله‌الأعظم «روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه‌ الفداء» را برای شما عزیزان خواستارم.

والسلام علیکم و رحمة‌الله و برکاته.

حسین‌المظاهری

۱۰ / شعبان‌المعظم / ۱۴۳۷

۲۸ / اردیبهشت / ۱۳۹۵

از دیگر سخنان آیت الله العظمی مظاهری (مد ظلّه العالی)

زمینه پژوهش در باره اخلاق و تربیت عملی طلاب فراهم شود به کمک افراد متخلّق به اخلاق الهی در حوزه‌های علمیّه باید زمینه تحقیق در موضوع اخلاق و تربیت عملی طلبّ در پرتو قرآن و عترت، بیش از پیش فراهم شود.^۱

تقویت بنیۀ پژوهشی طلاب

برنامه‌ریزی و اقدام در جهت احیای سنّت‌های حسنه و فراموش شده تعلیم و تعلّم در حوزه‌های علمیّه را برای تقویت بنیۀ پژوهشی طلبّ و حوزه‌ها، ضروری و اجتناب‌ناپذیر خوانده و تأکید کردند: سنّت‌هایی نظیر پیش‌مطالعه، مطالعه، مباحثه، تقریرنویسی و اظهارنظر و بیان اشکال در درس، که متأسفانه متروک شده است، باید به طور جدّی در حوزه‌های علمیّه احیاء گردد و بدون احیای این سنّت‌های سلف صالح، فعالیت‌های پژوهشی با همه قداستی که دارد، از عمق و کیفیت لازم برخوردار نخواهد شد و لذا مثمر ثمر نخواهد بود.^۲

پژوهش‌های امروز پاسخگوی مطالب دنیای معاصر نیست.

اگر چه پیشرفت حوزه‌های علمیّه در امر پژوهش چشمگیر بوده است، اما این ترقی و پیشرفت در مقایسه با انتظارات اسلام عزیز و قرآن کریم و مطالبات دنیای معاصر و نسل جوان از حوزه و روحانیت، هنوز کم است.^۳ قلم از جایگاهی برجسته و مکانی بی‌همتا برخوردار است.

۱- پایگاه خبری تحلیلی انتخاب Entekhab.ir. کد خبر: ۲۴۳۵۷۵، تاریخ انتشار:

۲۸ آذر ۱۳۹۴ به نقل از almazaheri.ir

۲- www.esf-hozeh.com

۳- سایت حوزه نیوز.

۴- حضرت آیت الله العظمی شیخ جعفر سبحانی (مد ظله العالی)

اخلاص در پژوهش

پژوهش یعنی کاوش. تحقیق، مشتق از کلمه حق است؛ یعنی به واقعیتی رسیدن، به واقعیتی که مورد نظر است، کوشش فراوانی مبذول دارد. بین دو تعریف لغوی و اصطلاحی پژوهش، فاصله هست.

محقق باید هدفمند باشد و هدف باید مقدس باشد؛ خواه به نفع او باشد یا به ضررش. تحقیق کردن به نفع یک گروه خاص، تحقیق واقعی نیست؛ زیرا مزدوری کردن با انگیزه سیاسی، چه بسا از نظر نتیجه غلط باشد و کار کردن با هدف وابستگی به خوب، نمی‌تواند تحقیق را به واقع برساند؛ برای مثال، خیلی از شرق شناسی‌ها برای اهداف خاصی بوده است؛ از این رو تحریف حقایق، زیاد صورت می‌گرفت. پس اگر اخلاص نباشد، این تحقیقات چندان نتیجه بخش نیست و اگر محقق، مخلص باشد، به خیلی از حقایق دست می‌یابد.

در مورد موضوع تحقیق نیز باید مشخص شود که آیا موضوع، به درد جامعه می‌خورد یا نه؟ مشتری دارد یا نه؟ در غیر این صورت، محقق زحمات خود را به هدر داده است؛ مثلاً در مورد قضاوت و فقه، باید به مسائلی پرداخته شود که خلأیی را پُر کند، نه این که کتابی باشد که فقط قفسه را پُر نماید.

اکنون مسائل مربوط به «عبد» به درد جامعه نمی‌خورد؛ هر چند بحث از نظر ماهیت «بردگی در اسلام» که به منظور تربیت بوده و منافاتی با آزادی بشر نداشته، خوب است. اما بعضی از مسائل مانند «عبد آبق» (عبد فراری) به درد جامعه نمی‌خورد.

امروزه سئوالاتی از خارج کشور مطرح می‌شود که متحیر کننده است. توجه داشته باشید که همه کتابهای مرحوم [علامه] حلی، خلأ آن زمان را پُر کرده بود.

شرایط محقق هم نسبت به موضوع تحقیق فرق می‌کند؛ مثلاً در زیست‌شناسی، یک شرایطی وجود دارد و در ادبیات عرب، شرایط دیگری حاکم است. امام شرایط عامه آن‌ها، این است که نسبت به موضوع، استعداد داشته و از نظر حافظه، بینش و اطلاعات، از توانایی لازم برخوردار باشند. نویسندگی نیز مانند سایر مهارت‌ها (مثل گویندگی و سخنرانی)، بعد از دوره جوانی زائل می‌شود و اگر طلبه جوان از ابتدا نیاموزد، بعدها به سختی می‌تواند دست به قلم شود.

آمادگی کامل در یک علم، وقتی به وجود می‌آید که محقق، حافظه توانا و ذهن و بینش جوّال داشته باشد.

تحقیق فردی خوب است؛ ولی پر اشتباه است. از سوی دیگر، تحقیقات جمعی هر چند به کندی پیش می‌رود، اما ریشه دارد و پایه دار است.

در کارهای جمعی و تحقیقات گروهی، به مدیر و فردی برجسته نیاز است؛ مثلاً مرحوم علامه مجلسی، کارگروهی بحارالانوار را با چهارصد شاگرد شروع کرد؛ به این صورت که نگارش حدیث را یکی از شاگردان انجام می‌داد و بیان و توضیح آن از خود علامه مجلسی نوشته می‌شد.

آیت الله بروجردی نیز طرفدار شیوه جمعی تحقیق بود. کتاب تاریخی حدیثی که در مورد روایات شیعه نوشته شده است، نتیجه تحقیق جمعی بوده است که ایشان، آن‌ها را دعوت کرده بود و به طرز جالبی، این احادیث را جمع کردند. پس شیوه جمعی تحقیقات در گذشته هم بوده و بهتر آن است که این روش، احیاء شود.

محقق باید کلاس و استاد ببیند و دوره‌ای را به عنوان آموزش تحقیق بگذارند.

تحقیق دارای شیوه‌های عامی است که محقق باید آن را بگذراند و شیوه‌های خاص آن را نیز خود باید بیاموزد.^۱

از دیگر سخنان معظم له

(۱) - کسانی در حوزه موفق هستند که خوب درس بخوانند، در نویسندگی پیشرفت کنند و مبلغ خوبی باشند.

(۲) - همان‌طور که یک آهنگر باید ابزاری داشته باشد تا بتواند دری را بسازد، نجار اژه و رنده‌ای لازم دارد تا یک در و پنجره بسازد. یک طلبه هم باید هنر گویندگی و نویسندگی داشته باشد، تا بتواند احکام دین و اخلاق اسلامی را به مردم آموزش دهد.

(۳) - روحانی باید یک شمشیر دو لبه در اختیار داشته باشد. یکی بیان و یکی قلم. بیان و قلم در حقیقت دو نیرویی است که باید روحانی در امر تبلیغ در آن استفاده کند و اگر از دوران جوانی به تربیت و تقویت این دو نیرو نپردازد، در دوران بالاتر، امکانش کمتر و رشدش بسیار کندتر است.

(۴) - نویسندگی را باید از همان دوران جوانی که مشغول درس خواندن است شروع کند و زیاد تمرین کند، تا دستش به قلم آشنا گردد و مفاهیم جملات در ذهنش بماند. منبر و گویندگی هم همین‌طور. باید در همان دوران جوانی آن را تمرین کند.

۱- مجله پگاه حوزه، ش ۳، ص ۳.

حدیثی که سبب شد آیت الله سبحانی دست به قلم شود

آیت الله سبحانی در درس خارج اصول خود در مسجد اعظم قم با اشاره به روایتی از نبی مکرم اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ اظهار داشتند: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمودند: «المؤمن اذا مات و ترك ورقه واحده عليها علم تكون تلك الورقه يوم القيامه سترأً فيما بينه و بين النار و اعطاه الله تبارك و تعالى بكل حرف مكتوب عليها مدینه اوسع من الدنيا سبع مرات»

« اگر مؤمن از دنیا برود و یک ورقه از خودش باقی بگذارد که بر آن علمی نوشته شده باشد روز قیامت این ورقه حائل و ساتر و حاجب است بین او و بین آتش. نه تنها مانع از آتش است بلکه خداوند تبارک و تعالی در عوض هر حرفی که بر آن ورقه نوشته است شهری وسیع تر از دنیا به اندازه هفت برابر به او عطا می‌فرماید.»

ایشان ابراز داشتند: بنده در دوران جوانی این حدیث را مشاهده کردم و سبب شد که قلم به دست گرفته و آثاری را از خود به جای بگذارم.

این مرجع تقلید با اشاره به روایتی از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام خاطر نشان ساختند: حضرت فرمودند: «احتفظوا بكتبكم فانك سوف تحتاجون اليها؛ کتاب‌های خود

را نگه دارید؛ زیرا شما در آینده به آنها نیازمند می شوید.»

حضرت آیت الله سبحانی در پایان با بیان این مطلب که امروز دین ما به وسیله کتاب‌های علمای پیشین محفوظ مانده است، تصریح کردند: شیخ مفید ۲۰۰ دویست کتاب نوشته و تنها ۴۵ کتاب در میان ماست و دین ما را این کتاب‌ها و امثال شیخ مفید رحمته الله حفظ کرده است.^۱

منزلت پژوهشگر و حس علم‌جویی او

پیشرفت‌های چشم‌گیر و حیرت برانگیز امروز بشر، مرهون تلاش‌های بی‌وقفه‌ی دانشمندان و فرهیختگانی است که به سان شمع سوختند و اطراف خود را روشن کردند و اگر جان‌فشانی‌ها و سخت‌کوشی‌های آنان نبود، بشر در همان نخستین شرایط زندگی خود می‌ماند و گامی به پیش نمی‌نهاد. آنچه پژوهشگران را به تلاش وامی‌دارد، کشش درونی آنها به دانش‌پژوهی و پرده برداشتن از چهره‌ی واقعیت است؛ به گونه‌ای که از لذایذ زندگی، چشم پوشیده و جز کشف رازها و گشودن عقده‌ها به چیزی نمی‌اندیشند. در این مسیر، آنچه مددکار آنان است که بعدی از ابعاد روحی انسان را تشکیل می‌دهد همین حس است که همه‌ی سختی‌ها و ناملایمات را در رسیدن به هدف، سهل و آسان می‌کند.

بسیار دور از حقیقت است که تلاش پژوهشگران را با عامل اقتصادی مارکس و یا عامل جنسی فروید، تبیین کنیم و محرک آنان را برای این همه کارهای توان‌فرسا، دو عامل یاد شده بدانیم؛ بلکه حقیقت همان است که گفته شد که یک عامل روحی و روانی برتر از ماده و مادیات به نام حس علم‌جویی آنان را به این عرصه کشیده که با این سوز و تاب خاص، به پژوهش می‌پردازند.^۱

پیشنهاد آیت‌الله سبحانی به مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه برای امر پژوهش
حضرت آیت‌الله جعفر سبحانی، از مراجع تقلید پنج‌شنبه شب در دومین اجلاس مدیریتان و صاحب نظران حوزوی عرصه پژوهش که در مدرسه

۱- پیام آیت‌الله العظمی سبحانی به مناسبت روز پژوهش ۸۶/۹/۲۵.

معصومیه قم گردهم آمده بودند، به قسم‌های قرآنی درباره قلم اشاره کرد و گفت: قلم سودمند برای جامعه دارای ارزش و قلم دارای زبان ارزشی ندارد. وی افزود: همچنین قلم دانشمندان و بزرگان دارای ارزش است، اگر بزرگانی همانند شیخ مفید و طوسی نبودند که عقاید شیعه را به صورت درست و یکسان بیان کنند ممکن بود ما نیز در این عقاید گرفتار چند دستگی می‌شدیم.

این مرجع تقلید با بیان این‌که قلم و بیان نعمت الهی است، آن دو را به منزله شمشیری برای افراد خواند و بیان داشت: اگر قلم علما نبود ما امروز وارث چنین گنجینه‌ای در فقه، اصول، عقاید، لغت و حتی علوم طبیعی نبودیم. وی ادامه داد: اگر قلم نبود بشر در همان تمدن اول درجا زده و نمی‌توانست دانش خود را به عرصه‌های بعدی منتقل کند، قلم توانست ۱۷ تمدن را پشت سر هم قرار دهد؛ گسترش قلم بیش از گسترش بیان است ولی هر دو مهم هستند.

استاد برجسته درس خارج حوزه علمیه قم با تأکید بر این‌که پژوهش و کتاب باید بتواند خلأیی را پر و نیازی را برطرف کند، خاطرنشان کرد: کارهای تکراری که خلأیی را پر نمی‌کند در حقیقت به عنوان یادگار انسان باقی می‌ماند.

وی یادآور شد: امروز برخی مذاهب به قرائت سبعة بسیار اهمیت می‌دهند، در حالی که هیچ کدام از این‌ها متواتر نبوده و حتی برخی از آنها به واسطه چند نفر از رسول الله ﷺ قرائت را بیان می‌کنند، حال سؤال این است که این موضوع چه خلأیی را پر و دردی را دوا کرده است؛ جز این‌که قرآن را به صورت کتاب بشری با نسخه بدل‌های فراوان در آورده است.

حضرت آیت‌الله سبحانی خاطرنشان کرد: اگر قرآن با اختلاف قرائت نوشته شود، آبرویش خدشه دار می‌شود؛ ما باید راهی را برویم که گره‌ای

را باز و خلأیی را پر کنند؛ کوشش کنیم مطالبی که خلأیی را پر کرده و برای جامعه مفید هستند بیان کنیم.

وی تصریح کرد: باید تمام دانشنامه‌ها خلأیی را پر و گره‌ای را باز کنند؛ در یکی از سال‌ها رژیم صهیونیستی به غزه حمله کرده و تعداد زیادی را کشته بود، در آن زمان بنده در عربستان بودم که منبری تنها درباره ملائکه صحبت کرد و از آسمان به زمین نیامد که بگوید امروز مسلمانان، کودکان و فلسطینی‌ها به دست صهیونیست‌ها کشته می‌شوند؛ این رقم بحث‌ها برای پر کردن مجلس خوب است ولی نمی‌تواند جامعه را احیا کند.

این مرجع تقلید در بخش دیگری از سخنان خود تحقیق فردی را خوب ولی تحقیق جمعی را بسیار مؤثرتر و مفیدتر از تحقیق فردی دانست و گفت: بنده به مرکز مدیریت حوزه پیشنهاد می‌کنم در صورت امکان قانونی را تصویب کنند که پروژه‌های بزرگ علمی و برخی از پایان‌نامه‌ها به صورت کار جمعی انجام شود.

وی ادامه داد: در کار جمعی هر نفر بخشی از کار را انجام می‌دهد، از این‌رو بهتر می‌توانیم پیشرفت کنیم، امیدواریم این طرح پذیرفته شود؛ البته باید تمام جوانب آن در نظر گرفته شود.

حضرت آیت‌الله سبحانی بحار الانوار را نتیجه مشارکت ۴۰۰ شاگرد علامه مجلسی خواند و بیان داشت: البته این شاگردان زیر نظر علامه کار و مطالب را جمع‌آوری می‌کردند و علامه با قلم خود کتاب را نگاشته است.

وی عنوان کرد: ما نیز اخیراً در مؤسسه امام صادق علیه السلام به اخراج تفسیر موضوعی بحار الانوار پرداخته‌ایم، در تمام ابواب این کتاب نخست آیات قرآن سپس روایات بیان شده است و این‌که می‌گویند شیعیان نسبت به قرآن کم اهمیت هستند از دورغ‌های شاخ دار است.

این مرجع تقلید در بخش پایانی سخنان خود به کتاب «کشف الاسرار» امام راحل اشاره کرد و بیان داشت: در سال ۱۳۲۲ فردی کتاب اسرار هزار ساله را نوشت و در آن آیات قرآن را تاریخ مصرف گذشته توصیف کرد، متأسفانه این کتاب اثرگذار هم بود، تا این که امام راحل دو ماه درس خود را تعطیل و در رد آن کتاب، کتاب «کشف الاسرار» را نوشتند که همانند آبی بر روی آتش

بود این گونه کتاب‌ها می‌تواند خلأیی را پر کرده و جاویدان شود.^۱

۵- آیت‌الله العظمی ناصر مکارم شیرازی (مد ظله العالی)

شیوه تربیت نویسندگان در حوزه‌های علمیه

قلم و بیان در قرآن

قرآن مجید درباره «بیان» جمله‌ای دارد، درباره «قلم» هم جمله‌ای و اگر آیات پیرامون قلم و بیان را کنار هم بگذاریم، استنباط جالبی از آن می‌شود. می‌دانیم وسیله انتقال علوم و معارف از نسل‌های گذشته به نسل‌های امروز و عامل ایجاد تمدن بشر بیان و قلم بوده است و اگر این دو وسیله از زندگی انسان حذف می‌شد، نه علوم و معارفی باقی می‌ماند و نه تمدن و اختراعات و اکتشافاتی. هرکس در علوم و فنون زحمتی می‌کشد، سرانجام با مرگش آن دستاوردها دفن می‌شد و چیزی به نام معارف و علوم و تمدن بشری باقی نمی‌ماند.

قرآن وقتی از بیان سخن می‌گوید، می‌فرماید:

«الرَّحْمَنُ عَلَّمَ الْقُرْآنَ خَلَقَ الْإِنْسَانَ عَلَّمَهُ الْبَيَانَ»^۲

۱- خبرگزاری رسا، شناسه خبر: ۲۳۵۲۰۰-۱۳۹۳/۹/۱۹.

۲- الرحمن / ۱-۴.

بلافاصله بعد از نعمت و آفرینش، نعمت بیان را می‌گوید. در آغاز بعثت

پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قرآن به این مسأله اشاره می‌کند:

«اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ * اقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ * الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ * عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ»^۱.

وقتی آیات قلم و آیات بیان را کنار هم می‌گذاریم، متوجه می‌شویم اسلام رسالت اصلی را برای قلم قائل شده است:

اولاً: در مورد قلم، کلمه «رب» آمده است و در مورد بیان کلمه «رحمان».

رحمان اشاره به رحمت و وسعۀ الهی است، اما تربیت، پرورش و تکامل در سایه صفت ربوبیت پروردگار است که نسبت به قلم به کار رفته است «رَبُّكَ الْأَكْرَمُ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ». بنابراین چیزی که جامعه را پرورش داده و

تکامل می‌بخشد، بیشتر مربوط به قلم است تا بیان و سخن.

درباره قلم، تکرارهایی که قرآن می‌کند (اقْرَأْ، اقْرَأْ) نشان دهنده‌ی اهمیت بسیار قلم می‌باشد در حالی که درباره بیان تکراری به آن شکل نیامده است. از همه مهم‌تر اینکه درباره بیان می‌گوید: «عَلَّمَهُ الْبَيَانَ» بیان را به انسان یاد داد ولی در مورد قلم می‌گوید: «الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ». قلم جهت برطرف کردن جهل بشر، ابزار تعلیم شد. «عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ» اکثریت مطلق علوم و دانش‌های بشری در سایه قلم به دست می‌آید در حالی که بیان به آن شکل مطرح شده است.

از مقایسه این آیات با یکدیگر می‌فهمیم که قرآن مجید در روزگاری که اصلاً قلمی در شبه جزیره‌ی عربستان وجود نداشته است، اهمیت قلم را

چگونه بیان فرمود. قرآن نامش «بیان الله» نیست بلکه نامش «کتاب الله» است و نامگذاری کتاب برای قرآن خیلی پر معنی است.

ضرورت نگارش و پژوهش

این مقدمه‌ی کوتاه به هدف من کمک می‌کند، چون شیوه‌ تربیت وقتی اجرا می‌شود که انسان، اهمیت قلم را بداند و انگیزه‌ها را ایجاد کند. ما مسلمان‌ها هنوز به اهمیت قلم آن چنان که باید و شاید، پی نبرده‌ایم و برخورد جدی با مسأله‌ی قلم نکرده‌ایم. ما دانشمندان بزرگی داشته‌ایم که بعضی از آنان مطلقاً اهل قلم نبوده‌اند، ۷۰ سال زحمت کشیده و تمام علوم و تجربیات خودشان را با خودشان به خاک برده‌اند. این چه ضایعه‌ بزرگی است! تنها دانشمندانی در تاریخ علم ما جاودانه مانده‌اند که دست به قلم برده‌اند. من بارها تجربه کرده‌ام که انسان برای مسأله‌ای یک هفته کار می‌کند، اگر مطالب را بنویسد زحمات یک هفته را یک ساعت می‌نویسد، بار دوم که سراغ این مسأله می‌آید باید یک ساعت کار کند، نه یک هفته. چقدر قلم به عمر انسان برکت می‌دهد! مسأله‌ای که یک هفته برایش تلاش کرده‌ام، چون نوشته نشده بعد از دو سال فراموش شده، اما اگر آن را یک ساعته می‌نوشتیم، دو سال بعد هم برای من قابل مطالعه است، یعنی یک هفته مطالعه‌ی مرا به یک ساعت مطالعه تبدیل می‌کند.

اگر امیرمؤمنان علی علیه السلام درباره‌ی علما می‌فرماید: «و العلماء باقون مابقی الدهر» به عقیده‌ی من علمای صاحب قلم را می‌گوید، اینها هستند که برای همیشه جاودانه می‌گردند و «عیانهم مفقودة و امثالهم فی القلوب موجودة» افکار، آثار و کتاب‌های آنهاست که در دل‌ها می‌ماند. ما عالم و دانشمند بسیاری در طول حیات اسلام داشته‌ایم، عده‌ای از آنها به کلی فراموش شده‌اند که حتی

دانشمندانی که تاریخ زندگی علما را نوشته‌اند، گاهی نتوانسته‌اند حالات آنها را ضبط کنند چرا؟ چون آنان نتوانستند، اثری از خودشان به یادگار بگذارند، اینها فراموش شدگانند. اینها خسارت‌هایی است که نصیب جامعه بشری و حوزه‌های علمیه می‌شود.

طلبه باید از وقتی که «بدان ایّدک الله» را می‌خواند، به نوشتن بپردازد، نه اینکه به مقامات عالی علمی برسد و هنوز دست به قلم نبرده باشد. چرا این چنین باشیم؟ چرا جوّ حوزه‌های علمیه چنین است؟ چرا این عیب و نقص محسوب عدم توجه به نویسندگی و نگارش در حوزه‌ها عیب و نقص بود، همه در رفع آن می‌کوشیدند معلوم می‌شود هنوز به عنوان یک عیب تلقی نشده است. البته شرایط نسبت به گذشته خیلی فرق کرده، ولی باز هم تا رسیدن به مقصود فاصله زیادی مانده است.

چه باید کرد؟

برای تربیت طلاب و نویسندگان در حوزه‌های علمیه باید چه کرد؟ این‌گونه مسائل یک بعد فرهنگی دارد و یک بُعد علمی و عملی. از ناحیه بعد فرهنگی باید تمام طلاب باور کنند که فقدان نگارش و نویسندگی عیب و نقص و ضایعه و فاجعه است. تا از نظر فرهنگی به این نکته باور نشود، حرکتی شروع نخواهد شد. اکنون در حوزه‌های علمیه، مسأله‌ی بیان چنان رایج شده که اگر طلبه نتواند منبر برود، برای او عیب است. جلسات تمرین بیان، منبر و سخن گفتن در حوزه‌های علمیه از قدیم تاکنون بوده که باید چند برابر آنچه به خاطر نداشتن بیان احساس نقص می‌شود، به خاطر نداشتن قلم احساس نقص شود.

باید این مسأله را هم از مغز عده‌ای پاک کرد که نویسندگی مثل شعر است. کسانی که می‌گویند همان‌طور که همه ذوق شعر ندارند، همه هم

ذوق نویسندگی ندارند بنابراین حق دارند عده‌ای به دنبال نویسندگی نروند، اشتباه است زیرا قلم با بیان یکی است منتها یک نفر سخنرانی او خیلی عالی و جالب است اما دیگری متوسط. ولی همه باید بتوانند سخن بگویند. سخن گفتن و نویسندگی جزء ضروریات زندگی است. نویسندگی بر همه فرض است، منتها ذوق‌ها و استعدادها در همه مسائل مختلف است در این مسأله هم مختلف است ولی هر کسی به اندازه توانایی باید در این زمینه پرورش پیدا کند.

تابستان گذشته که با برادران شورای مدیریت به گفتگو نشستیم، یکی از آن شش رشته‌ای که برای مسائل تخصصی بحث شد، موضوع تبلیغ در دو شاخه نویسندگی و سخنرانی است که ان‌شاءالله در آینده یک عده متخصصینی در رشته تبلیغ به وسیله نویسندگی هم پرورش پیدا کنند.

در اینجا از امام راحل‌مان علیه السلام یاد می‌کنیم. امام هم بیانش خیلی قوی بود و هم قلمش، مخصوصاً در این وصیت سیاسی- الهی، تمام فنون نویسندگی را به کار می‌گیرد. به عقیده من یکی از عوامل پیروزی سریع انقلاب، بیان خوب امام و نویسندگی قوی او بود. راه امام و خط امام این است، یعنی بیانی عالی و نویسندگی قوی. باید در بُعد فرهنگی در حوزه‌ها ضرورت این نکته احساس شود که قلم بیش از بیان، عامل پیروزی اسلام است. دشمن نیز همین کار را می‌کند. کتاب آیات شیطانی «سلمان رشدی» از نظر نویسندگی، قوی و نیرومند است، منتها قدرتش در مسیر شیطانی به کار رفته است. ببینید چه سر و صدایی ایجاد کرد و در مقابل هم آن چند جمله کوبنده فتوای امام علیه السلام چه اثری گذاشت!

امتیازهای قلم

برای قلم سه امتیاز است که در بیان نیست:

امتیاز اول: باقی بودن. سخن فرار می‌کند و نوشته باقی است و حدیث معروف امیرمؤمنان علی علیه السلام چه تعبیر جالبی است: «قیدوا العلم بالکتابه» علم را نگذارید فرار کند اما جلوگیری از فرار علم با نگارش است.

امتیاز دوم: دقیق بودن نوشته. بیان دقیق نیست، ولی نوشته دقیق است. اگر کتاب «کافی» بنا بود با بیان در این مدت هزار سال به دست ما برسد اکنون غیر از آن چیزی که «کلینی رضی الله عنه» نوشته بود، به دست ما می‌رسید. هر کسی مطالبش را نقل به معنا می‌کرد. ولی نوشته دقیق است.

امتیاز سوم: عمیق بودن. مطالب نوشته عمیق است، در حالی که سخن کم محتواسست. نویسندگان گاهی یک ساعت فکر می‌کنند و یک خط می‌نویسند ولی سخن نمی‌تواند آن دقت را داشته باشد. از این رو مصاحبه‌ها هیچ وقت ارزش اعلامیه‌ها را ندارد. اعلامیه‌ها با دقت نوشته شده است، سند است، بنابراین بقا، دقت و عمق، سه امتیاز برای نگارش و نویسندگی است.

روش تربیت نویسنده در حوزه

از کجا نویسندگی را در حوزه‌ها شروع کنیم؟ من فکر می‌کنم نویسندگی دارای پنج مرحله است:

مرحله اول: مطالعه آثار نویسندگان خوب

اگر وقت دارید روزی نیم ساعت یا یک ساعت کتاب‌هایی را که از نظر نویسندگی و محتوا خوب است، نه یک روز و دو روز، نه یک ماه و دو ماه، بلکه ماه‌ها پشت سرهم مطالعه کنید. اگر آدم با ذوقی باشد شش ماه، یک سال باید مطالعه کنید و این مطالعه نباید قطع شود. ریزه‌کاری‌هایی که در

کلمات نویسندگان است تجارب یک عمر آنهاست، باید این تجارب را استفاده کرد. کتاب‌های خوبی به زبان عربی و فارسی است که از هنر برخوردار می‌باشد. نویسندگی هنر و علم است، همان‌گونه که بیان و سخنرانی هنر است. سخنرانان خوب، فقط عالم‌های خوبی نیستند، بلکه هنرمندان خوبی هم هستند. اگر انسان بخواهد در این هنر پیشرفت کند باید مدت‌ها آثار هنرمندان واقعی را که در این میدان فعالیت نموده‌اند، مطالعه کند.

تجربه‌ای در این مسأله دارم. در طول ۳۰، ۴۰ سال اگر بخواهم مطلب خوبی بنویسم، در صورتی که چند صفحه از کتاب نویسنده‌ای خوب را مطالعه کنم و سپس مطالبی را بنویسم، می‌بینم قلم می‌جوشد، اما وقتی بدون مطالعه قبلی می‌نویسم، آن جوشش و جریان قلمی نیست.

مرحله دوم: نوشتن پس از مطالعه آثار دیگران

باید طلاب را عادت داد که بعد از آنکه نوشته‌های خوبی را مطالعه کردند، کتاب را روی هم بگذارند و مجدداً آن مطلب را خودشان بنویسند. سپس بین نوشته خودشان و نوشته آن نویسنده هنرمند، مقایسه کنند. از مقایسه این دو با هم، ضعف‌ها و قوت‌ها معلوم می‌شود. نویسنده چگونه وارد بحث شد؟ چگونه خارج شد؟ جمله‌بندی‌ها و تعبیرات چگونه بود؟ کلماتی را که من به جای او گذاشتم چیست؟ آن کلماتی که او انتخاب کرده چیست؟ در یک مقایسه می‌تواند، تفاوت این دو را اندک اندک بفهمد.

مرحله سوم: تجربه مستقل در نوشتن

صاحبان قلم خودشان به نوشتن موضوعی به طور مستقل شروع کنند، بی‌آنکه این موضوع را در نوشته دیگری مطالعه کرده باشند، بعد همین موضوع را به استاد قلمشان بدهند. این راه را بدون استاد نمی‌توان پیمود

و فردی که بخواهد بدون استاد این مسیر را بپیماید، به بیراهه‌ها، سنگلاخ‌ها و اشتباهات می‌افتد. بهترین راه این است که شما چیزی بنویسید و آن را به استاد بدهید، تا او به شما فنون نگارش را یاد دهد.

کلی‌گویی در این مسائل کم اثر است. اگر فرد نوآموز کلیات و قواعد را هم می‌خواهد بیان کند، باید از نوشته‌ای که استاد نوشته است، بهره گیرد. مثلاً یکی از مسائل مهمی که ما، در نویسندگی به آن کم اهمیت می‌دهیم، حسن مطلع و حسن ختام است. نویسنده خوب اولین جمله‌ای را که می‌نویسد، باید جاذبه داشته باشد، نویسنده باید یک ضربه محکم وارد کند و طرف را جذب کند این حسن مطلع است. در پایان هم که نوشته را تمام می‌کند، نه با یک کلمه‌ی عادی و معمولی. مطلب خوبش را باید آخر کار بگذارد که وقتی خواننده نوشته را تمام می‌کند، لذت آن تا مدتی در ذائقه‌ی فکرش باشد. مثلاً من می‌خواهم شیوه نویسنده‌ی شیوا و دلنشین را به نوآموز یاد دهم. باید نوشته خوبی را در دست بگیرم و به آن کسی که می‌خواهد تربیت شود، بگویم: بین این نویسنده از کجا شروع کرده و به کجا پایان داده است؟ نوشته‌ی خوب ابتدای کتاب را حسن مطلع می‌گویند و جملات دلنشین پایان نوشته را حسن ختام می‌نامند. چنین نوشته‌ای دلالت بر فنی بودن آن می‌کند و نشان دهنده‌ی مهارت نویسنده است که از سخنان شیرینی شروع کرده و به سخنان شیرین، ختم کرده است. گاهی یک سلسله مسائل تلخ است و نویسنده مجبور است آن را بگوید. در این صورت باید این مطلب را در لابه‌لای بحث بگوید. آغاز با تلخی شروع نمی‌شود. پایان با تلخی پایان پیدا نمی‌کند، این نکات را باید در یک نوشته و نمونه برای نوآموز اجرا کرد.

مرحله چهارم: نشر اثر

آثاری که نویسندگان می‌نویسند، باید منتشر شود. بنده اگر نوشته‌ای را برای خودم می‌نویسم زیاد به آن اهمیت نمی‌دهم، اما اگر می‌دانم فردا این نوشته در مجله‌ای مربوط به حوزه‌ی علمیه‌ی قم منتشر می‌شود، از جهت محتوا، شیوه‌ی تنظیم مطالب، زیبایی و دلنشینی جملات، حسن مطلع و حسن ختام، تلاش فراوانی برای آن انجام می‌دهم. همین عامل سبب می‌شود که من تمام استعدادم را به کار گیرم. شما وقتی برای دو نفر یا دو هزار نفر سخنرانی کنید، برای این دو سخنرانی یکسان مطالعه نمی‌کنید. برای اینکه استعدادها شکوفا شود، باید نشریاتی در حوزه‌ها باشد، آثار نویسندگان هر چند مبتدی، کم‌کم منتشر شود و نوآموزان ببینند آثارشان منتشر می‌شود و این سبب شود که نبوغ‌شان را به کار بیندازند. وقتی آثار منتشر شد، مورد نقد واقع می‌شود و نقدها سبب تکامل و پیشرفت کار است.

مرحله پنجم: نقد اثر

آخرین مرحله، آن است که عده‌ای که اهل قلم می‌شوند، کم‌کم جلسات گروهی نقد و بررسی تشکیل دهند. نقد و بررسی همان طرز کاری است که ما در بحث‌های فقه و اصول فقه داریم. طلبه‌ها وقتی مقدار زیادی درس خارج فقه و اصول فقه می‌خوانند و کمی مسلط می‌شوند، جلساتی به نام جلسات بحث کمپانی ۳ تا ۵ نفره با هم تشکیل می‌دهند و یک مسأله را تعقیب می‌کنند. هر کدامشان آن روز مطالعه می‌کند، مسأله را مطرح می‌کند و دیگری نقد، بررسی و صحبت می‌کند و همین نقد و بررسی گروهی باعث پیشرفت است.

اگر این پنج مرحله به ترتیب برای نویسندگان در حوزه‌های علمیه تعقیب شود طلاب، اهمیت نویسندگی را هم بدانند، در این صورت می‌توان نسبت به آینده امید داشت.

آفت‌های قلم

در حوزه‌های علمیه برای نویسندگی و نویسندگان دو آفت است که همیشه من طلبه کوچک را رنج داده و می‌دهد: آفت اول، آفت تعقید است. متأسفانه هنوز هم معقد نوشتن و پیچیده بودن نوشته، نشانه فضل و دانش است. می‌گویند: آقا شما چرا تفسیر نمونه را به این زبان ساده نوشته‌اید؟ سطح علمی و شأن آن پایین می‌آید. هنوز این مسأله هست و ما هم همیشه این گناه را مرتکب شده‌ایم و از مرتکب شدن این گناه هم پشیمان نیستیم. به عقیده آنان اگر عین بحثی را که مرحوم علامه طباطبایی رحمته‌الله با تمام عظمتی که داشت در آن جا نوشته است، با بیان ساده منعکس کنید، ارزشمند نیست. این نشانه‌ی فضل و دانش نیست، باید نوشته پیچیده باشد!

سخنان و نوشته‌های امام رحمته‌الله بهترین شیوه‌ی عرضه مطالب بود، چرا الگو نباشد؟ آیا حتماً باید نوشته پیچیده باشد؟ این هنر است که انسان چیزی بگوید که همه بفهمند. شبهه «آکل و مأكول» را با آن پیچیدگی بتواند آن قدر بیان و نوشته خوبی داشته باشد که همه بفهمند. این هنر است و عیب نیست. این مسأله پیچیده‌نویسی باید از حوزه‌ها برچیده شود. سخنرانی و نویسندگی در سطحی باشد که همه بتوانند استفاده کنند.

آفت دوم، آفت تطویل است. تطویل و پرگویی در نوشته‌ها غوغا می‌کند. بسیاری از کتاب‌ها را به من بدهید، من یک صفحه‌اش را در دو خط

خلاصه می‌کنم، بدون اینکه یک مطلب حذف شود. شما نوشته‌های علامه مجلسی رحمته‌الله علیه، صاحب جواهر رحمته‌الله علیه را ببینید. صاحب جواهر، در حدود چهل و سه جلد کتابش را نوشته است. هر خط این کتاب، مطلبی علمی است که می‌توان آن را در یک صفحه نوشت، ولی ایشان مقید بودند که نوشته‌ها پرمعنی فشرده و بدون زواید باشد. مگر طلبه چقدر عمر دارد که از شش صفحه‌ی فلان تقریرات که مطالعه می‌کند، یک مطلب علمی یاد بگیرد؟ در شش صفحه باید بیست تا مطلب علمی به دست آورد، نه یک مطلب. امیدوارم این سمینارها به طور وسیع‌تر و گسترده‌تر برگزار گردد و آثارش هم منتشر شود و حرکتی در میان نویسندگان علوم و معارف اسلامی پیدا شود تا بتوانند آن وظیفه‌ای را که در این عصر دارند، در برابر اسلام، قرآن و انقلاب در تمام زمینه‌ها ایفا کنند.^۱

۶- آیت الله العظمی سید محمد تقی مدرسی (مد ظله العالی)

آیت الله محمد تقی مدرسی نیز از جمله مراجعی است که ملزومات امر تحقیق را مورد واکاوی قرار داده است. وی نیز با ذکر مؤلفه‌هایی، اسلوب یک پژوهش پیراسته را معرفی می‌کند:

۱- انسان می‌بایستی در پژوهش و مطالعه و تحقیق خود، تمام توجه خویش را به جستجو معطوف دارد، و به یک نگاه گذرا اکتفا نکند؛ بلکه بارها امور مورد مطالعه را از نظر بگذراند و آن‌گاه رأی خود را اظهار کند؛ چه امکان آن هست که در نگاه اول از بعضی از جنبه‌های طرفی و داده‌ها غافل مانده یا به اندازه کافی به تفکر نپرداخته باشد.

۱- برگرفته از بیانات معظم له در سمینار نویسندگان علوم و معارف اسلامی، سایت:

آیت الله مدرسی با ذکر این مؤلفه، بر این نکته تأکید دارد که امر تحقیق، متفاوت از مطالعه‌های گذراست. به باور وی، در پژوهش می‌باید تأمل و دقت نظر مضاعفی اعمال گردد.

(۲) - شناخت درست و سالم، جز از راه مقارنه میان چیزها حاصل نمی‌شود، پس بر محقق لازم است که بصر (چشم) و فکر خود را دوباره به کار گیرد، یکی مربوط به چیزی است که مقصود شناختن و تحقیق کردن درباره آن است، و دیگری به چیزی بازمی‌گردد که در مقارنه با آن شباهت دارد یا متناقض با آن است.

آیت الله با بیان این توصیه، بر مقایسه میان آراء، انگشت تأکید می‌نهند و بر این باورند که بسیاری از ضعف‌ها و قوت‌های تحقیق در مقایسه میان آنها رخ می‌نماید.

(۳) - پژوهش درباره چیزی به صورت کامل با مطالعه دو جنبه آن میسر می‌شود، یکی جنبه مادی ظاهری و دیگری جنبه معنوی باطنی، و جوینده نیازمند آن است که یک بار با چشمش به مشاهده جنبه نخستین بپردازد و بار دیگر به مطالعه و شناخت جنبه دوم بازگردد.

آیت الله مدرسی با ذکر این ویژگی در تحقیق‌های علمی، دو سویه موجود در تحقیق را مورد توجه قرار می‌دهد؛ جنبه‌ای ظاهری که ملموس است و در مرعی و منظر است. و جنبه‌ای دیگر که اگرچه قابل رؤیت ظاهری نیست، اما حائز اهمیت و قابل تأمل است و آن جنبه‌ی معنوی یک تحقیق است.

(۴) - برای آنکه انسان بتواند در شناخت‌های خود از نردبان تکامل بالا رود، نیازمند به بازنگری در چیزی است که پیشتر در آن نظر کرده بود،

برای نقد یا تکمیل آن، که باید با نگاه اندیشمندانه تازه‌ای نظر کند و به یک نگاه و نگرش راضی نماند.^۱

طبق این توصیه آیت الله مدرسی، یک تحقیق می‌باید بارها و بارها مورد مذاقه قرار گیرد و از جوانب مختلفی مورد بررسی واقع شود. طبق این شیوه است که می‌توان به یک تحقیق پیراسته دل بست و بدان باور داشت.^۲

۷- آیت الله العظمی شیخ عبدالله جوادی آملی (مدظله العالی)

آیت الله جوادی آملی در منظومه فکری خود، اندیشه‌ای منسجم را در خصوص ارتباط علم و دین ترسیم کرده است. وی بر این باور است که همه علوم، اگر بر نظام هستی در قالب خلقت خداوندی نظر کنند، می‌توانند صبغه دینی بر خود گیرند. آیت الله جوادی، بر اساس همین مبناست که در عرصه پژوهش نیز چنین سبک فکری را برمی‌گزینند و پژوهش و دین را در پیوند با هم تفسیر می‌کنند و بر این نکته تاکید دارند که پژوهش نوعی طلب دانش است که به عنوان فریضه دینی مطرح می‌شود. به باور وی، هدف نهایی از پژوهش نیز می‌باید پیوند خوردن با سرمنشأ هستی باشد. «هدف نهایی پژوهش، رسیدن انسان متحقق، به مقام شامخ لقای خداست».^۳

۱- تفسیر هدایت، ج ۱۶، ص ۱۵۳.

۲- این مطلب را آقای سید هادی طباطبایی با عنوان بایسته‌های تحقیق، در نظر مراجع تقلید در تاریخ ۱۳۹۵/۰۹/۲۲ به بهانه هفته پژوهش بیان نموده اند. برگرفته از

سایت: www.mobahesat.ir

۳- فلسفه حقوق بشر، ص ۵.

آیت الله جوادی آملی که با نگاهی دینی به مقوله‌ی تحقیق نظر می‌کنند، اساس تحقیق را «عبادت» می‌دانند. به تعبیر ایشان، علم‌آموزی و علم‌آوری در اسلام، عبادت محسوب می‌شود؛ عبادتی که علت و فلسفه خلقت موجودات است. وی در تعبیری حتی تحقیق و پژوهش را امانتی می‌داند که بشر موظف است به نحو تام و تمام از آن مراقبت و محافظت کند. به نوشته وی، تحقیق کردن همانند «امانت» است. لذا باید گفت که مراجعه نکردن به منابع اصلی و کافی دانستن منابع فرعی، از جمله مصادیق خیانت در امانت و آفت اصلی در مقوله پژوهش و تحقیق دانسته می‌شود.^۱

آیت الله، حب و بغض در امر پژوهش را نیز مورد نقد قرار می‌دهند و بر این باورند که شرط اصلی حقیقت‌گویی، نداشتن حب و بغض و دنیاخواهی در امر تحقیق است. به تعبیر وی، این صفات می‌تواند نگاه‌ها را تغییر داده و اندیشه‌ها را از مسیر حق منحرف سازد. آیت الله جوادی آملی، صداقت و انصاف را از مهم‌ترین شرایط تحقیق و پژوهش می‌داند.^۲

وی همچنین از خلوص در پژوهش و تحقیق سخن به میان می‌آورد. آیت الله بر این باور است که اگر در همه فعالیت‌های اهالی قلم، خلوص وجود داشته باشد، کار آنها معطر خواهد شد و کار معطر باعث جذب دیگران می‌شود. زیرا خود خلوص آنقدر معطر است که نیاز نیست کسی به دعوت بپردازد. بلکه خلوص چنان جاذبه‌ای دارد که همه را به سوی خود دعوت می‌کند. از همین رو اگر یک اهل قلمی خالصاً لوجه الله قلم بزند، همه به او ارادت پیدا می‌کنند. پس قلم طاهر چنان است که خود معطر است و نیازی نیست که دیگران بگویند و نیاز نیست که برای آن تبلیغ شود.^۳

۱- اسلام و محیط زیست، ص ۲۶۱.

۲- ادب فنای مقربان، ص ۴۷۲.

۳- دیدار با اعضای علمی انجمن اندیشه و قلم، نقل از وبسایت پژوهشگاه علوم و حیان معارج.

آیت الله جوادی آملی با ذکر این امور، پیوند میان پژوهش و دین را نشان داده و به نحو شایسته‌ای از آن پرده برداشته است.^۱

۸- آیت الله الطعمی صافی گلبایگانی (مد ظله العالی)

با سرپنجه بینش و پژوهش، گره‌های باز نشده از کار بشر را باز نمایید، درس بخوانید تا دانشمند شوید.

۹- آیت الله شیخ محمد تقی مصباح یزدی^۲ (مد ظله العالی)

انجام امور تحقیقاتی و پژوهشی بنیان و اساس بالندگی و پویایی حوزه‌های علمیه است.^۳ معظم له کتابی درباره پژوهش به قلم تحریر در آورده‌اند که وزیری، شومیز، ۲۳۲ صفحه، چاپ اول سال ۱۳۸۹ می باشد. این کتاب بخشی از مباحث حضرت استاد درباره پژوهش و دین پژوهی است که با هدف ترسیم برخی از مهم‌ترین خطوط کلی مؤلفه‌های پژوهش اصیل، و نیز شرح ساحت‌های گوناگون دین پژوهی سامان یافته است. نوشتار حاضر توسط حجت‌الاسلام والمسلمین جواد عابدینی در دو بخش تدوین و نگارش یافته و به همت انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی^{علیه السلام} منتشر شده است. بخش نخست این کتاب که در ۸ فصل تنظیم شده، به بیان اهمیت و ضرورت، انگیزه‌ها، اخلاق، اولویت‌ها، روش‌ها و آسیب‌شناسی پژوهش پرداخته است.

۱- این مطلب را آقای سید هادی طباطبایی با عنوان بایسته‌های تحقیق، در نظر مراجع تقلید در تاریخ ۱۳۹۵/۰۹/۲۲ به بهانه هفته پژوهش بیان نموده‌اند. برگرفته از سایت: www.mobahesat.ir

۲- رئیس مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی^{علیه السلام} می باشد.

۳- سایت: www.hawzahnews.com در تاریخ ۱۳۹۵/۰۳/۰۶، کد خبر: ۳۸۰۸۶۷ .

۱۰- آیت الله سید محمد رضا جلالی حسینی (حفظه الله)

نوشتن راز ماندگاری علمای شیعه است.

تقاضای ما از حوزه علمیه این است از شروع مباحث مربوط به «املاء»، «صحیح نویسی»، «انشاء» با روش علمی نویسی را در حوزه به راه انداخته و طلاب هم به خوبی مباحث افراد را بگیرند، تا نوشته‌های آنها در آینده بهینه باشد.^۱

۱۱- مرحوم آیت الله العظمی سید عبدالکریم موسوی اردبیلی رحمته الله علیه

مرحوم آیت الله موسوی اردبیلی از مراجعی بود که به مباحث اقتصاد اسلامی توجه داشت. وی به برخی از مؤلفه‌های پژوهش در امر اقتصادی تأکید داشت و سپس نحوه‌ی تحقیق در امور دینی را بیان می‌کرد. وی معتقد بود که در تحقیقات اقتصادی و پیوند آن با دین اسلام، می‌باید از کتاب و سنت، و تاریخ اسلام و مسلمین صدر مدد گرفت و نحوه‌ی معیشت آنها را مورد ارزیابی قرار داد. وی بر این باور بود که می‌باید از دستاوردهای جدید بشر نیز در استنباط علم اقتصاد کمک طلبید. آیت الله موسوی اردبیلی، با ذکر پنج مؤلفه، بایسته‌های تحقیق و پژوهش را به نحو کلی بیان کرده بود. این مؤلفه‌ها از این قرارند:

۱- پس از بررسی موضوع در متون دینی و اقتصادی، وظیفه فرد محقق این است که تلاش کند اولاً ارتباط آنها را ارزیابی کند. ثانياً کوشش نماید که حکم شرعی آنها را استخراج نماید.

۲- باید توجه داشت که تنها رجوع به کتب فقهی برای استخراج حکم شرعی کافی نیست، زیرا ممکن است از موضوعاتی باشد که در کتب فقهی عنوان نشده، اما از منابع اولیه قابل استخراج باشد.

۱- همان، شماره خبر: ۳۶۶۴۴۸.

۳- محقق در این مباحث باید جانب تعادل را حفظ کرده و از افراط و تفریط دور باشد. به عبارت دیگر از روشنفکرنمایی به اصطلاح روز احتراز کند و هر احتمالی را به اسلام نسبت ندهد و از طرفی از تحجر هم که آفت دیگری برای محقق محسوب می‌شود خودداری نماید. در برخی موارد در منابع اسلامی حکمی و دستوری مطرح شده و از زوایای مختلف مورد توجه قرار گرفته است که لازم است فرد محقق آن را از جوانب مختلف بررسی کند و تنها به یک جنبه آن بسنده نکند.

۴- محققان در مسأله اقتصاد اسلامی باید توجه داشته باشند که بحث‌ها ریشه‌یابی شود، گاهی ممکن است یک موضوع از لحاظ اقتصادی یک نتیجه داشته باشد ولی از نظر فقهی آثار دیگری بر آن بار شود. مثلاً ممکن است «بهره» از نظر اقتصادی توجیه داشته باشد، ولی در فقه نظر دیگری در مورد آن باشد. همین طور است مسائلی از قبیل احتکار، استضعاف، تجمیع ثروت، استعمار و استثمار و امثال آن.

۵- پس از طی کردن قدم‌های فوق و بررسی ارتباط بین آنها و تشخیص فقهی و شرعی آن، می‌توان با کمک درک دقیق مبانی اسلام و اقتصاد و با شناخت همه‌جانبه مسائل جامعه، به ترسیم یک الگوی نسبتاً جامع برای اقتصاد اسلامی مبادرت ورزید.^۱

۱۲- مرحوم آیت الله شیخ احمد مجتهدی تهرانی رحمته الله علیه

طلبه‌ها مقید باشید که کتاب زیاد بخوانید. درست است که به خاطر گرانی کاغذ و هزینه چاپ، قیمت کتاب هم بالا رفته، اما به کتابخانه که می‌توانید مراجعه کنید.

۱- در پرتو وحی، ج ۱، صص ۳۴۲-۳۴۱. این مطلب را آقای سید هادی طباطبایی با عنوان بایسته‌های تحقیق، در نظر مراجع تقلید در تاریخ ۱۳۹۵/۰۹/۲۲ به بهانه هفته پژوهش بیان

به کتاب‌ها عشق بورزید، در حدیث آمده است که: «الکتب بساتین العلماء؛ کتاب باغ و بوستان علماست.»

طلبه‌هایی که اهل کتابند و به کتابخانه مراجعه می‌کنند به جایی می‌رسند.^۱ در حدیث آمده که: خیلی‌ها هستند که به محض مردن نامه عملشان بسته می‌شود، اما سه طایفه‌اند که وقتی می‌میرند، نامه عملشان همچنان باز است: اول: عالمی که مردم از علو او بهره‌مند گردند. مثلاً بعد از مردن از کتاب‌های او استفاده کنند. دوم: اولاد صالح: اگر کسی از دنیا برود امام فرزندش طلبه‌ای باشد که کتاب می‌نویسد یا منبر می‌رود یا تدریس می‌کند، در نامه عمل پدر و مادر او پاداش می‌نویسند. طلبه‌ها وقتی از شما کتاب‌های آشیخ عباس قمی رحمته‌الله و کتاب‌های مرحوم علامه مجلسی رحمته‌الله و رسائل و مکاسب و کفایه و شرح لمعه استفاده می‌کنید در نامه عمل مؤلفین و مصنفین این کتاب‌ها ثواب می‌نویسند. چه قدر خوب است. مقید شوید طلبه‌ها که حتماً از خودتان کتابی به یادگار بگذارید تا نامه عملتان بسته نشود.^۲

(۱۳) - پروفیسور دکتر محمود حسابی رحمته‌الله

راه پیشرفت، ارزش نهادن به علم و تحقیق، احترام به معلمین، اساتید، دانش آموزان و دانش جویان است. زندگی یعنی پژوهش و فهمیدن چیزی جدید.

۱- در محضر مجتهدی، ج ۱، ص ۲۴۳.

۲- همان، ج ۱، ص ۲۰۷ - ۲۰۸.

بخش سوم:

نذر برای نوشتن کتاب

نذر

یکی از برکات نذر این است که بعضی از علما و بزرگان، کتابهایی تألیف کردندد پیرامون موضوع «وفا به نذر»، آن هم نذری که به انجام رساندن آن را بر خود واجب کردند و از آن جمله حکایات زیر است که در این بخش از کتاب به ترتیب می‌آوریم:

نذر شیخ طبرسی به تألیف مجمع البیان

از شیخ طبرسی حکایت شده که او سخته قلبی کرد. مردم گمان کردند او فوت کرده است. او را کفن کرده، دفن نمودند و برگشتند. سپس او به هوش آمد و خود را در قبر یافت. در این هنگام نذر کرد که اگر خدا او را از این ورطه نجات دهد، در تفسیر قرآن کریم کتابی تألیف می‌کند. اتفاقاً مردی برای دزدیدن کفن از آنجا عبور کرد و آن قبر را باز نمود و به این شکل شیخ را نجات داد و او را به خانه‌اش رساند. سپس شیخ به نذر خود وفا کرد و کتاب «مجمع البیان» را در تفسیر قرآن نوشت.^۱

نذر سید حسن شیرازی برای تألیف کتاب «کلمة امام مهدی عجل الله فرجه»

سید حسن شیرازی رحمته الله گفت: در دوران حکومت بعضی‌های عراقی، زمانی که در زندان عراق اسیر و تحت عذاب وحشیانه آنها بودم، به امام عصر حضرت مهدی عجل الله فرجه متوسل شدم و تعهد کردم که اگر از زندان نجات یابم، مجموعه‌ای از روایات، زیارات و ادعیه و کتاب‌هایی را که از جانب آن حضرت رسیده جمع‌آوری و تألیف کنم. بعد از مدتی از زندان خارج شدم.

روزی یکی از خویشاوندان من آمد و به من گفت: در خواب مرد نورانی که دارای هیبتی بود به من گفت: به سید حسن شیرازی بگو: وقت وفای عهد تو درباره تألیف کتاب صاحب الزمان عجل الله فرجه رسیده است. ایندر حالی بود که من در رابطه با تعهدم به هیچ کس چیزی نگفته بودم و آن مرد نیز از این تعهد من بی اطلاع بود. بنابراین تصمیم گرفتم که تألیف کتاب را شروع کنم.^۱

نذر سید قزوینی برای تألیف کتابی پیرامون بانوی دو عالم، حضرت زهرا علیها السلام
روایت شده است: سید قزوینی رحمته الله نذر کرد که اگر از حکم اعدام در زندان بعث عراق نجات یابد، کتابی پیرامون زندگی حضرت زهرا علیها السلام، بانوی دو عالم و دختر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم تألیف کند. خداوند متعال نذر او را اجابت کرد و صبح روز بعد، حکم عفو او از خشم و غضب جلادان عراقی در زندان صادر شد و او آزاد شد. این سید بزرگوار، بعد از زندان به نذر خود وفا کرد و این کتاب گرانمایه را نگاشت.^۲

نذر سید سبزواری رحمته الله برای تألیف یک دوره کامل فقه

سید عبدالعلی سبزواری رحمته الله به بیماری قلبی دچار شد. نزد پزشک رفت و پزشک دستور داد تا فوری به بیمارستان منتقل شود. سید از رفتن سرباز زد و مایل نبود بستری شود. در همان موقع نذر کرد که اگر از بیماری نجات یابد، یک دوره فقه کامل بنویسد. خداوند متعال نذر او را اجابت

۱- همان، ص ۶۰.

۲- همان، ص ۶۰.

کرد و او را در آن شب شفا داد، و به این شکل بود که او نوشتن کتاب «مذهب الاحکام فی بیان الحلال و الحرام» را شروع کرد.^۱

نذر آقای آیت الله سید محمد تقی مدرسی

آقای سید محمد تقی مدرسی در مقدمه کتاب: «عباس یاور حسین» بیان داشته است: نذر کرده بودم کتابی پیرامون زندگی سید ما، حضرت عباس علیه السلام بنویسم. منتظر فرصتی بودم تا به نذر وفا کنم و آن را به انجام برسانم. اکنون این فرصت پیش آمده است.^۲

مطالب مهم آقای علوی

علوی گفته است: «وقتی حاجتی داشتی، نذر کن کتابی بنویسی یا چاپ کنی با هزینه خودت که درباره رفع نقصی از مکتب اسلام باشد. مانند اینکه مشکلی را حل کند، مورد مخفی و پنهانی را فاش سازد، شبهه‌ای را بر طرف کند یا قضیه‌ای را مورد بررسی قرار دهد. پراکنده‌گویی‌ها را گردآوری کند یا بی نظمی‌ها را نظم دهد یا فایده آن بیان مطالب به زبان‌های مختلف (ترجمه) باشد. در صورتی که یکی از موارد اشاره شده را دارا نباشد، در حقیقت فایده و سودی در نشر و تألیف آن کتاب نیست.»^۳

۱- همان، ص ۶۰ و ۶۱، به نقل از قصص و خواطر، ص ۱۴۱.

۲- همان، ص ۶۱.

۳- همان، ص ۶۱ به نقل از استشفاء بالمعصومین، ص ۲۳۴.

نذر برای حفظ کردن مطلب

نذر شیخ عبدالحسین امینی رحمته الله روایات شده است: تاجری ایرانی نزد من آمد. احساس کردم او فردی با فرهنگ و عالم است. اسرار عالم بودنش را جويا شدم. او گفت: هنگامی که دکانم را باز می‌کردم، نذر می‌کردم اگر این فصل را حفظ نکنم یا این کتاب را نخوانم، مثلاً ۲۰۰ تومان صدقه دهم. بنابراین ناچار به خواندن آن می‌شدم و این، حاصل آن چیزی است که اکنون می‌بینید.»^۱

نذر شیخ حسن طراد

استاد علی بهادلی در پایان نامه خود بیان کرده است که شیخ حسن طراد، هم زمان با تحصیل در حوزه علمیه، در نجف اشرف خود را به انجام نذری ملزم کرده بود، مبنی بر این که تمام وقت آزادش را به تحقیق و تحصیل علم بگذارند و استثنایی هم برای آن قرار نداده بود؛ مگر آن امری که بر اساس شرع، ضروری باشد مانند برپایی نمازهای واجب و یا صرف غذا و همانند این موارد که از ضروریات زندگی محسوب می‌شد. البته این تصمیم به خاطر این بود که وقت او از تلف شدن در کارهای غیر ضروری حال و آینده، در امان بماند و محفوظ شود. او این وظیفه را مدت زمانی اجرا کرد و طوری بود که اگر هر کدام از دوستانش به دیدار او می‌آمدند، به آنها اطلاع می‌داد که به خاطر نذرش زمان آزاد او به طور کامل به مذاکرات علمی اختصاص دارد.

۱- همان، ص ۶۱.

در جامعه‌ای مثل نجف، دیدار طالبان علم از اساتید و بر عکس رایج است و این موضوع، به نوعی برای او مشکل شخصی به وجود آورده بود. در نتیجه، سبب می‌شد که از بعضی ملاقات‌کنندگان عذرخواهی کند. شیخ طراد برای رفع این مشکل و همچنین ادای بعضی از نوافل روزانه، مجبور شد در آن زمان از امام «سید محسن حکیم» که مرجع مسلمانان بود، در خواست فتوا کند و درخواست نماید با توجه به نذری که کرده است، بتواند نافله‌ها و بعضی از اموری را که واجب نیستند به انجام رساند. مرجع مسلمانان، امام سید محسن حکیم این‌گونه پاسخ را دادند: «اگر نذر مطلق باشد، شامل نافله‌ها هم می‌شد. پس جایز نیست که این کار یا مانند آن، شما را از تحقیق باز دارد.»^۱

۱- همان، ص ۵۷ و ۵۸.

بخش چهارم:

نکاتی درباره کتاب‌های شیعه

توصیه آیت الله بهجت رحمته الله علیه به نشر یک کتاب

شنیده‌ام رساله‌ای از متقدمان نوشته شده، لکن ندیده‌ام: «فی من استبصر من العلماء؛ درباره علمایی که شیعه شدند» و تعداد کسانی را که مستبصر شدند، نوشته است و اگر این رساله به دست بیاید و چاپ شود، خیلی مهم است و برای تشیع خیلی خیلی مفید است.^۱

کشف اللثام و نوشتن کتاب قبل از بلوغ

کشف اللثام^۲ نوشته است: «وقتی که فلان کتاب را نوشتم، سیزده ساله بودم و از هشت سالگی شروع به نوشتن کردم». ظاهراً کشف اللثام هم داخل همان کتابهایی است که قبل از ۱۵ سالگی نوشته است. می‌گوید: «و فرقت من المعلوم معقولها و منقولها و ما ابلغ خمسۀ عشر سنۀ؛ از علوم معقول و منقول در حالی که به پانزده سالگی نرسیده بودم فارغ شدم.»^۳

راز توفیق مرحوم بهبهانی

مرحوم وحید بهبهانی را در خواب دیدند از او پرسیدند: چگونه به این مقام رسیدی؟ گفت: از بس از علما و کتابهایشان تجلیل کردم، خدا هم این توفیق را به من داد و این لطف را به من کرد.^۴

۱- گوهرهای حکیمانه، ص ۸۱؛ و به تازگی در همین زمینه کتابی به نام «المتحولون» چاپ شده که می‌تواند مکمل آن باشد.

۲- محمد بن حسن بن محمد اصفهانی معروف به فاضل اصفهانی یا فاضل هندی صاحب کتاب کشف اللثام ۱۰۶۲-۱۱۳۵ ه.ق.

۳- گوهرهای حکیمانه، ص ۱۴۸.

۴- همان، ص ۱۴۹؛ خارج فقه ۸۲/۹.

امتیاز مفاتیح الشرائع

آقایی می خواست از نجف به ایران بیاید. در مجلسی پرسید: ما چه کتابی را با خودمان ببریم که اگر محل حاجت شد، داشته باشیم و مراجعه کنیم؟ آن آقا در جوابش گفت: در شهرستان‌هایی که جواهر پیدا می‌شود، آدم می‌تواند در کتابخانه‌ها به جواهر مراجعه کند. در غیر آن جاهایی که جواهر هست، برای مراجعه، کتاب دروس^۱ خوب است. تقریباً دوره کامل است. آن آخرش حدود و دیات و این‌ها را ندارد، لکن در غیر آنها تقریباً دوره کامل است.

لکن به حسب ظاهر، دروس هم تام الاستدلال نیست و کمی از استدلال دارد و بنده تا به حال کتاب مختصر استدلالی کامل، بهتر از «مفاتیح الشرائع»^۲ که هم استدلالی است و هم مختصر است ندیده‌ام و چه بسا نوعاً به همان اصول مسائل اختصار کرده است. خیلی کتاب خوبی است برای این که ایشان آن را همیشه با خودش داشته باشد.^۳

۱- تألیف شهید اول.

۲- تألیف ملا محسن فیض کاشانی.

۳- گوهرهای حکیمانه، ص ۱۵۱.

بخش پنجم:

نکاتی درباره بزرگان

علامه مجلسی رضوان الله تعالی علیه

تألیفات آن جناب (یعنی علامه مجلسی رحمته الله علیه) زیاده از یک میلیون و صد و ده هزار بیت است و چون تقسیم شود بر ایام عمر شریفش که ۷۳ سال بوده نصیب هر روزی زیاده از ۵۳ پنجاه و سه بیت خواهد بود. و نفع برند از مولفات آن بزرگوار، عرب و عجم و عالم و جاهل و عارف و عامی و زنان و اطفال. و از علامه بحرالعلوم منقول است که آرزو می‌کرد که تمام مصنفاش در دیوان عمل مجلسی (شود) در عوضش در دیوان عمل او نوشته شود یک کتاب از کتابهای فارسی را که ترجمه متون اخبار است و در جمیع اقطار شایع است.^۱

علامه مجلسی رحمته الله علیه در این باره (تثبیت احادیث به وسیله اسناد) کتاب رجال نوشته‌اند و موجب شگفتی است که این کتاب را داخل کجاوه، زمانی که از اصفهان به مشهد می‌رفتند، تدوین کرده‌اند.^۲

علامه میرحامد حسین هندی

آنقدر نوشت که دست راستش از کار افتاد، دست چپ همینطور، کتاب را روی سینه می‌گذاشت و برای فرزندش می‌خواند و او می‌نوشت.^۳

فرازی از وصیت نامه علامه حلی رحمته الله علیه به فرزندش

ایشان در آخر کتاب «قواعد الاحکام» خطاب به فرزند خود «فخرالمحققین» می‌فرماید:

۱- علاج النسیان، ص ۱۱۶ ش ۱۴۸.

۲- سازوکارهای موفقیت در تبلیغ، ص ۵۹.

۳- سند سازی و سند سوزی، ص .

«... کتاب‌هایی را که عجل مهلت نداده تمام کنم به اتمام برسان و اگر خلل و نقصان و یا خطا و نسیانی در آن مشاهده کردی اصلاح کن، هذبه وصیتی الیک و الله خلیفتی علیک.»^۱

فرازی از وصیت نامه آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی رحمته الله علیه

چرا باید حوزه ی اصفهان با ان سوابق درخشان در ماه حتی یک صفحه نشریه نداشته باشد؟ متأسفانه بازسازی مدارس به من محال نداد که در این زمینه کاری انجام دهم، اگر خداوند به من حیات و توفیق داد، به خواست خدا اقدام خواهم کرد.^۲ و الا از فرزندان عزیز و برادران روحانیم درخواست عاجزانه دارم که در این امر کوتاهی نکنند.^۳

ابن جریر - عبقات

قوت کتابت ابن جریر به مرتبه‌ای بود که هر روز ۴۰ ورق تحریر می‌نمود و در عبقات است که در مدت ۴۰ سال هر روزی ۴۰ ورق می‌نوشت.^۴

ابوعمر و (غلام تغلب) سی هزار ورقه را از حفظ املا کرد

ابوعمر و محمد بن عبدالواحد ملقب به مطرز معروف به غلام تغلب (مرد خوش حافظه‌ای است که) از قاضی تنوخی نقل است که گفته من احفظ و حفظ کننده‌تر از او ندیدم املاء کرد از حفظ خویش سی هزار ورقه و نه ورقه را.^۱

۱- قواعد الاحکام، ج ۳، ص ۷۱۴ به نقل از مرزبان امامت و ولایت، ص ۷۲.

۲- با توجه به این که تاریخ وصیت نامه مربوط به سال ۱۳۷۵ شمسی می‌باشد، بحمدالله موفق به تألیفات متعدد و چاپ و احیاء آثاری شدند. و ایشان خود دارای حدود صد جلد کتاب و مقاله نوشته‌اند که تعدادی چاپ و تعدادی هنوز چاپ نشده‌اند.

۳- مرزبان امامت و ولایت، ص ۶۵.

۴- علاج النسیان، ص ۱۱۷.

خواجه عبدالله انصاری

از خواجه عبدالله انصاری نقل شده که گفته: جاری نمی‌شود قلم من بر چیزی مگر آنکه حفظ می‌کنم آن را و من حفظ دارم از هر سیصد هزار حدیث هزار هزار «یک میلیون» اسناد و فرموده: آنچه من کشیده‌ام (از رنج) در طلب حدیث مصطفی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ احدی نکشیده.

یک منزل نیشابور تا دزباد، باران می‌آمد در حال رکوع (و خمیدگی) راه می‌رفتم و جزوه‌های حدیث را در زیر شکم خود نهاده بودم و گفته است شب در پای چراغ، حدیث می‌نوشتم و فراق نان خوردن نداشتم مادرم نان پاره و لقمه می‌کرد و در دهانم می‌نهاد.^۲

ابوعمر و

ابوعمر و سی هزار ورقه را از حفظ املا کرد.^۳

ابن جریر

ابن جریر هر روز روزی چهل ورق می‌نوشت.^۴

۱- همان، ص ۱۱۷، ش ۱۵۱.

۲- علاج النسیان، ص ۱۲۱ و ۱۲۲ به نقل از فوائد الرضویه، ص ۴۶۰.

۳- همان، ص ۱۲۴، ش ۱۷۵.

۴- همان، ص ۱۲۴، ش ۱۷۲.

بخش ششم:

آمارهای تکان دهنده

حجت الاسلام قرائتی در کتابش می‌نویسد:

تشویق بی حساب محققین در فرانسه

در فرانسه به محققین و قضات و مسئولین رده بالای ارتش چک بدون مبلغ می‌دهند.

۳۰ هزار محقق در یک شرکت آلمانی

در یکی از شرکت‌های دارویی در آلمان ۱۱۰ هزار کارگر و کارمند وجود دارد که سی هزار نفر در بخش آموزش و تحقیقات کار می‌کنند. در یکی دیگر از شرکت‌های آلمان (شرکت بنز) ۹ هزار نفر کار تحقیقاتی می‌کنند که الآن در اکثر کشورها افراد مهم سوار بنز می‌شوند و اتومبیل‌های تشریفاتی کشورها بنر است.

سالی ۱۰۰ میلیارد دلار صرف تحقیق

ژاپن سالی صد میلیارد دلار صرف تحقیق برای بی نیاز شدن از نفت می‌کند
سالی ۱۶۰ میلیارد دلار در آمریکا صرف تحقیق می‌شود.
آمریکا سالی ۱۶۰ میلیارد دلار صرف تحقیق برای بی نیاز شدن از نفت می‌کند.

کم شدن فرهنگ کار و کارپردازی موجب ضرورت تحقیق

از سوی دیگر فرهنگ کار و کارپذیری هر روز کم می‌شود.^۱

۱- نرم افزار تبلیغ، محسن قرائتی، واژه تحقیق، ص ۷۰۵.

بخش هفتم:

اهتمام به نویسندگی و

نگارش در شب قدر

عالمان شیعه در شمار اعمال شب قدر، توجه خاص به مباحثه و مطالعه داشته‌اند و فرموده‌اند که: شایسته است اهل علم، قسمتی از این شب را به تألیف، تحقیق، مباحثه علمی و مطالعه اختصاص دهند.

اتمام نگارش برخی از آثار مکتوب شیعی در شب قدر

برخی از آثار مکتوب عالمان شیعه که در شب قدر به پایان رسیده عبارتند از:

تاریخ اتمام برخی از آثار گران سنگ شیعه در یکی از دو شب معروف به شب قدر، صورت گرفته است؛ مانند:

(۱) - کتاب ارزشمند «جواهر الکلام» از فقیه نامور شیعه، مرحوم شیخ محمد حسن نجفی.

قسمتی از ترجمه عبارت پایانی این کتاب، چنین است:

«خداوند بلند مرتبه چنین مقدر نمود که تألیف و نوشتن و اتمام کتاب جواهر الکلام در شرح شرایع الاسلام در شب بیست و سوم ماه رمضان ۱۲۵۴ صورت گیرد».^۱

(۲) - «منظومه سبزواری» از فیلسوف نامدار شیعی، مرحوم حاج ملاهادی سبزواری؛

(۳) - تفسیر گران سنگ «المیزان» از مفسر گران قدر معاصر، علامه سید محمد حسین طباطبایی.

ترجمه قسمتی از عبارات علامه طباطبایی در این باره چنین است:

۱- مباحثه، ص ۲۹؛ به نقل از جواهر الکلام، ج ۴۳، ص ۴۵۳.

«خداوند هستی آفرین را حمد و ستایش می‌گویم که توفیق کرامت فرمود که از نوشتن این کتاب در شب مبارک قدر - بیست و سوم رسال ۱۳۹۲ هجری فراغت یابم».^۱

(۴) - موسوعه ارزشمند حدیثی «میزان الحکمه» از حجت الاسلام و المسلمین محمد محمدی ری شهری؛^۲
و بسیاری آثار ارزشمند دیگر.

۱- مباحثه، ص ۲۹، به نقل از المیزان، ج ۲۰، ص ۴۶۱.

۲- مباحثه، ص ۳۰، به نقل از میزان الحکمه، ج ۸، ص ۳۷۲۳.

بخش هشتم:

کتاب هایی که در حوزه علمیه
اصفهان نوشته شده

در این بخش از کتاب می‌پردازیم به نسخ و کتاب‌هایی که در مدارس علمیه اصفهان نوشته شده است.

۱- مدرسه علمیه امام صادق علیه السلام (چهارباغ)

۱- شخصی به نام محمد تقی هزار جریبی در ذی القعدة ۱۱۳۰، نسخه‌ای از «تعلیقه بر تفسیر بیضاوی» تألیف شیخ بهایی رحمته الله علیه را، در مدرسه جدید سلطانیه اصفهان نوشته است، و این نسخه، در کتابخانه فرهنگ مشهد موجود می‌باشد.

۲- شخصی به نام مهرعلی، نسخه‌ای از حاشیه بر شرح تجرید خواجه طوسی، از ملا عبدالرزاق لاهیجی را، با خط شکسته نستعلیق، در جمادی الاولی ۱۱۹۹، در مدرسه چهارباغ نوشته است، و این نسخه در کتابخانه مجلس شورای ملی موجود می‌باشد.

۳- شخصی به نام قربانعلی بن طاهر، در سال ۱۲۰۸ نسخه‌ای از، مفاتیح الشریع ملا محسن فیض کاشانی را نوشته، و این نسخه در کتابخانه مسجد اعظم قم موجود است.

۴- و نیز نسخه‌ای از کتاب «شرح حکمة العین»، به خط نستعلیق، در سال ۱۲۴۱ به وسیله صالح بن غلامعلی جیلانی (گیلانی) نوشته شده، و این نسخه به شماره ۱۲۱۷، در کتابخانه مدرسه فیضیه قم موجود است.

۵- و هم چنین شخصی به نام سید معصوم بن جعفر حسینی دیلمانی، کتاب «اصل الاصول» محمد نعیم طالقانی اصفهانی را، که در علم کلام و فلسفه بوده، در تاریخ ۱۲۴۱ در مدرسه چهارباغ اصفهان، نسخ برداری نموده است، و این نسخه به شمار ۹۹۲، در کتابخانه مدرسه فیضیه قم موجود است.

۶- در سال ۱۲۶۰ شخصی به نام نظر علی بن محمد تقی، نسخه‌ای از کتاب «لوامع الانوار العرشیه» در شرح صحیفه سجادیه علیه السلام، تألیف محمد باقر بن سید محمد موسوی حسینی شیرازی را، در مدرسه سطنیه، مشهور به چهارباغ، تحریر نموده است، و این نسخه در کتابخانه مسجد اعظم قم، به شماره ۶۱ و ۶۲ موجود است.^۱

۲- مدرسه جلالیه

در کتابخانه مدرسه رضویه قم، نسخه‌ای کتاب «شوارق لاهیجی» موجود است، که به خط ابوالقاسم بن احمد حسینی، کزازی الاصل، اصفهانی المسکن می‌باشد، و در تاریخ ۱۲۴۳، کتابت آن را در مدرسه جلالیه اصفهان به پایان رسانده است.^۲

۳- مدرسه جده کوچک

نسخه‌ای از «شرح فصوص الحکم» داوود قیصری، به خط نستعلیق حیدر علی سرحدی، در کتابخانه جامع گوهرشاد موجود است، که در سال ۱۲۲۸، در مدرسه جده کوچک نوشته شده است. و در کتابخانه دانشکده حقوق، نسخه‌ای از کتاب «میراث»، مولی محمد تقی بن حسینعلی اصفهانی موجود است، که آن را محمد کریم بن حاج محمد ابراهیم قمی، در جمادی الاوی ۱۲۷۶، در مدرسه جده کوچک، کتابت نموده است.^۳

۱- ریشه هاو جلوه های تشیع و حوزه علمیه اصفهان، ج ۲، ص ۱۴۹ و ۱۵۰.

۲- همان، ج ۲، ص ۱۲۵.

۳- همان، ج ۲، ص ۱۲۲ و ۱۲۳.

۴- مدرسه جده بزرگ

در کتابخانه جامع گوهرشاد، نسخه‌ای از کتاب «المطالع السعیده» فی شرح الفریده، تألیف سیوطی وجود دارد، که محمد مهدی بن محمد هاشم، در ماه شوال ۱۱۰۵ در مدرسه جده کبیره اصفهان نوشته است. و نیز در کتابخانه آستانه قدس رضوی علیه السلام نسخه‌ای از کتاب «شرایع الاسلام» محقق حلی وجود دارد، که به خط کاظم بن حسنعلی می‌باشد، و در ربیع الثانی ۱۲۳۱، در مدرسه جده بزرگ اصفهان نوشته شده است. و در کتابخانه دانشکده حقوق، نسخه‌ای از کتاب «معنی اللیب» وجود دارد، به خط عبدالحکیم حسینی تفرشی، که آن را در مدرسه جده اصفهان نوشته است و ظاهراً مراد مدرسه جده بزرگ می‌باشد. و همچنین در کتابخانه جامع گوهرشاد، نسخه‌ای از «شرح لمعه» موجود است، که در سال ۱۰۸۵ در مدرسه جده نوشته شده، و نسخه‌ای از کتاب «نظم اللالی» سید ابوالقاسم استرآبادی موجود است، که به وسیله محمد بن علی اصغر قائنی، در رمضان ۱۲۵۴ در این مدرسه نوشته شده است. و نیز در کتابخانه آیت اللم رعی نجفی، مجموعه‌ای وجود دارد از رساله‌هایی در طب، که به خط نستعلیق محمد حسین بن محمد رحیم خوئی می‌باشد، و در سال ۱۲۴۰ در مدرسه جده اصفهان نوشته شد، و به وسیله کاتب وقف شده است.^۱

۵- مدرسه الماسیه

شخصی به نام محمد طیب هزار جریبی، نسخه‌ای کتاب «حدود و دیات» از علامه مجلسی را، در سال ۱۱۵۲ برای مولانا، آخوند محمد جعفر، در مدرسه خواجه الماس نوشته است. و همچنین در سال ۱۳۰۴، محمد مهدی بن کربلایی محمد علی جابلقی، در مدرسه الماسیه، کتاب «رضوان

۱- همان، ج ۲، ص ۱۱۹ و ۱۲۰.

الاملین» را که حاشیه بر «قوانین الاصول» میرزای قمی است، و تألیف محمد بن عبدالصمد حسینی شهشهانی می باشد، تحریر نموده است.^۱

۶- مدرسه علمیه شفیعیه در دشت

شخصی به نام نجم الدین بن هاشم، نسخه‌ای از کتاب شریف «من لا یحضر الفیه» را، در مدرسه شفیعیه اصفهان در سال ۱۰۹۴ به خط نسخ نوشته، که در کتابخانه ملی ملک موجود است. و شخص دیگری به نام میرنصیر مازندرانی، از فضلا اصفهان دفتری را به قلم نستعلیق، در مدرسه محمد شفیع اصفهان نوشته که مشتمل است بر:

۱- شرح تذکره نصیری در هیئت؛ از شمس الدین محمد خفری؛ ۲- شرح تذکره، از مولی فتح الله شابرانی شیروانی؛ ۳- الالفاظ السقراطیه، از یعقوب بن اسحاق کندی، و کاتب نیز خودش حاشیه‌هایی بر این نسخه دارد، و این دفتر در کتابخانه مجلس شورای ملی به شماره ۳۸۸۷ موجود می‌باشد.^۲

۷- مدرسه علیقلی آقا

شخصی به نام ابراهیم مشهدی طوسی، نسخه‌ای از «حاشیه الوافیه»، سید صدرالدین محمد بن محمد باقر قمی را، در مدرسه علیقلی آقا، به تاریخ پنج شنبه سوم رجب ۱۲۲۹، کتابت نموده است.^۳

۱- همان، ج ۲، ص ۱۰۸.

۲- همان، ج ۲، ص ۱۷۳.

۳- همان، ج ۲، ص ۱۷۸ و ۱۷۹.

۸- مدرسه ملاعبدالله

محمد مقیم بن ملا احمد گیلانی رانکوئی، در روز شنبه بیست و سوم جمادی الثانیه ۱۰۷۳، در مدرسه ملاعبدالله، نسخه‌ای از کتاب «من لا یحضر الفقیه» شیخ صدوق را، به پایان رسانیده، که این نسخه به خط نسخ می‌باشد، و در کتابخانه ملی ملک موجود است. و شخصی به نام سعید بن میر محمد یوسف حسینی، در سال ۱۰۹۷، نسخه‌ای از «حاشیة شرح اشارات» خواجه طوسی را، که از میرزاجان باغنوی متوفای ۹۹۴ می‌باشد، در مدرسه ملاعبدالله نوشته است.^۱

ما در اینجا فقط به هشت مدرسه اکتفاء نموده مدارس دیگری مانند مدرسه صدر، میرزا حسین، نوریه، نیم آورد، آقا مبارک یا مبارکیه (محلّه گلپهار)، ایلچی، خرابه، خلیفه سلطان، خواجه محبت (محبّتیّه یا خواجه محب)، دارالعلم (الآن آثری از او وجود ندارد)، مدرسه شاه (مدرسه مسجد جامع عباسی)، شاهپوریه، شاهزاده‌ها (مدرسه حکیم) و ... را برای اطلاعات بیشتر به کتاب ریشه‌ها و جلوه‌های تشیع و حوزه علمیه اصفهان، جلد دوم مراجعه نمایید.

۱- همان، ج ۲، ص ۱۹۹.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

نهج البلاغه

ادب فنای مقربان،

ارشاد القلوب، دیلمی.

امالی صدوق،

بحار الانوار، علامه مجلسی.

تحف العقول،

تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، ناصر، دارالکتب العلمیه.

تفسیر نورالثقلین

تفسیر هدایت،

در پرتو وحی،

در محضر مجتهدی،

دیوان فرخی یزدی، انتشارات علمی،

الذریعه،

ریشه‌ها و جلوه‌های تشیع و حوزه علمیه اصفهان در طول تاریخ، موحد ابطحی، میر

سید حجت، ناشر: دفتر تبلیغات المهدی علیه السلام، اصفهان، غدیر خم ۱۴۱۸ ه.ق.

سازوکارهای موفقیت در تبلیغ، فقیه امامی، سید حسن

سفینه البحار، شیخ عباس قمی.

سند سازی و سند سوزی، سخنرانی آیت الله امامی (ره)

شیخ مفید، معلم امت،

صحیح بخاری،

صحیح مسلم،

صحیفه امام،

علاج النسیان یا در مان فراموشی، سید حسن میرحافظ، نشر الف، مشهد،
چاپ اول، ۱۳۹۱ش.

الکافی، کلینی، محمد بن یعقوب، دارالکتب الاسلامیه.
گوهرهای حکیمانه،

مباحثه، باقری سیانی، مهدی.

مرزبان امامت و ولایت، شفتی، سید محمدرضا،

معجزه نذر، نذر کلید حل مشکلات و برآورده شدن حاجات، مؤلف: سید
حسین نجیب محمد، مترجم: سید محمد صالحی، ناشر یاس بهشت، تهران،
چاپ سوم؛ ۱۳۹۴ش.

معجم الفاظ غررالحکم

مکاتیب الرسول،

میزان الحکمه، محمدی ری شهری، محمد، انتشارات علوم حدیث.

نرم افزار تبلیغ، محسن قرائتی، واژه تحقیق

مجله پگاه حوزه

سایت ها: سایت حوزه نیوز، خبرگزاری رسا،

almazaheri.ir

،Entekhab.ir

www.esf-hozeh.com

www.pooyesh.whc.ir

www.mobahesat.ir